



خبرنامه‌ی داخلی

انجمن حمایت از کودکان کار

اسفندماه ۱۳۸۷ - شماره‌ی ۱۰

به نام آن که جان را فکرت آموخت

- نهاد متولی امور کودکان، ضرورتی اجتناب ناپذیر / ۲
ترازوی اقتصاد کودکان کار / ۳
مراتفسیر هجران است بی تو / ۸
ثانیه‌های سیاه / ۹
خاطره‌ای از یک شب یلدا / ۱۰
کودکان آموزگار / ۱۱
مجتبی / ۱۲
بهره‌کشی جنسی از کودکان قابل پیشگیری است / ۱۴
گزارش جشن‌های روز اول مهر و کودک / ۱۶
بیانیه‌ی روز کودک - مهر ۱۳۸۷ / ۱۸
تحقق حقوق کودکان دست یافتنی است / ۱۹
گزارش مددکاری / ۲۰
یک روز با بخش مددکاری / ۲۲
گزارش کتابخانه / ۲۳
نقاشی ترافیک / ۲۷
گزارش بهداشت، درمان و تغذیه / ۲۸
گزارش روان‌شناسی / ۲۹
سواد عاطفی و کودکان - بخش اول / ۳۰
گزارش آموزش / ۳۲
کارگاه ایدز / ۳۶
اخبار انجمن / ۳۷
تبریک بهار / ۴۰



خبرنامه‌ی داخلی

اسفندماه ۱۳۸۷ - شماره‌ی ۱۰

نهاد متولی امور کودکان، ضرورتی اجتناب ناپذیر

قاسم حسنی

بررسی وضعیت زنان و کودکان هر جامعه یکی از اصلی ترین ابزارهای شناسایی وضعیت سلامت و توسعه‌ی انسانی آن جامعه است، به جرأت می‌توان اظهار داشت وضعیت زنان و کودکان اصلی ترین شاخص توسعه انسانی و رشد پایدار در هر کشور است. هم چنین برنامه ریزان و مدیران اجرایی هر جامعه به همان میزان که در جهت مشارکت دادن و حضور موثر زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بکوشند و به هر مقدار که در جهت صیانت از حقوق کودکان و ایجاد فرصت‌های برابر و کافی برای برخورداری از امنیت، سلامت، آموزش و... برای آنان تلاش نمایند، به همان میزان به سمت انسانی‌تر نمودن شرایط جامعه گام برداشته‌اند.

بر کسی پوشیده نیست که کودکان از آسیب پذیرترین اقشار جوامع هستند. این در حالی است که هیچ یک از آنان در به وجود آوردن شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند هیچ نقشی نداشته و در واقع آنان در شرایطی متولد شده، رشد می‌کنند و زندگی را می‌آموزند که بزرگ‌ترها برایشان به وجود آورده‌اند و بی‌تردید زندگی و شرایط کودکان حاصل نحوه‌ی تفکر و زندگی بزرگ‌ترهاست و تغییر در زندگی کودکان تحقق نخواهد یافت مگر تفکر و عمل بزرگ‌ترها تغییر یابد. پس اگر آرزو داریم که شرایط کودکان مان شرایطی انسانی و درخور باشد باید نگاهی داشته باشیم به این که چگونه می‌اندیشیم، چگونه عمل می‌کنیم و ساز و کار اجتماعی مان برای تأمین امنیت، بهداشت، تغذیه، آموزش، شرایط رشد و بالندگی کودکان مان چیست؟ و این اصل اساسی را برای همیشه به خاطر بسپاریم که تنها جهانی شایسته‌ی کودکان، جهانی شایسته‌ی همگان خواهد بود.

شرایط کودکان کشورمان ایران نیز هر چند در برخی از شهرها به نسبت وضعیت کودکان کشورهای همسایه مانند افغانستان، عراق و پاکستان نسبتاً شرایط بهتری است، به دلیل گستردگی فقر و محرومیت و نیز عدم آگاهی نسبت به حقوق کودکان، تار سیدن به شرایط مطلوب برای کودکان راه درازی را در پیش دارد. وجود مشکلاتی نظیر معضل کار کودکان، کودکان محروم از آموزش و وجود پدیده‌ی تلخ و دردآور کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان و تلخ‌تر از همه بی‌دفاعی کودکان در مقابل فقر، محرومیت، مهاجرت و انواع خشونت، همه و همه حاکی از ضرورت اقدامی جدی در سطح کلان کشور برای صیانت از حقوق کودکان را دارد.

سال‌هاست که در مناسبت‌ها، همایش‌های مختلف از سوی صاحب نظران سازمان‌های دولتی و غیردولتی در خصوص مشکلات کودکان و ضرورت اقداماتی نظیر ضرورت اجرای کامل و فراگیر برنامه‌ی آموزش برای همه (EFA)، ضرورت برخورداری قانونی با کودک آزاران، برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان از کودکان و... مورد تأکید قرار می‌گیرد، ولی به دلیل نبود نهاد متولی امور کودکان نه تنها تمامی این مطالبات و هشدارها بدون پاسخ مانده بلکه هرگاه حرکتی هر چند کوچک از سویی برای چاره‌اندیشی صورت گرفته باز هم به دلیل نبود ساز و کار مناسب و نبود نهاد مسوول و متولی امور کودکان "تمامی این خواسته‌ها و اراده‌ها در پیچ و خم مشکلات و هزار توی ناشی از محدودیت‌های اساسنامه‌ای و بین بخشی سازمان‌های مختلف بی‌نتیجه مانده و همواره این کودکان هستند که هزینه‌ی این کاستی‌ها و خلاءها را به‌بهای کودکی از دست رفته خود می‌پردازند.

از این رو با کمی تعمق به خوبی در خواهیم یافت که ایجاد نهاد متولی امور کودکان ضرورتی است اجتناب ناپذیر ضرورتی که در صورت پرداختن به آن و تأسیس نهادی با اختیارات و ابزارهای عملیاتی، نظارتی کافی و قدرتمند می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ای نه چندان دور امکانات و ظرفیت‌های موجود اجتماعی مان به سمت ایجاد شرایطی درخور برای رشد و بالندگی تمامی کودکان کشورمان هدایت شوند و نیز هرگاه کودکی به هر دلیل در معرض آسیب قرار گرفت این نهاد بتواند با مداخله در شرایط کودک فرصت‌های لازم برای رشد و بالندگی او را تأمین نماید.

به امید آن روز



آرزو داریم که

شرایط کودکان مان شرایطی

انسانی و درخور باشد

باید نگاهی داشته باشیم به این که

چگونه می‌اندیشیم، چگونه عمل

می‌کنیم

تراژدی اقتصاد کودکان کار

ترجمه و تألیف: سهراب روشن آبادی

نگاه کلی

"من به عنوان یک کودک باید احساس کنم که این دنیا به من تعلق دارد. باید به کار و ساماندهی پردازم نه به صبر و انتظار". بنابراین اگر کودک پرورش یابد همکار خوبی خواهد شد، دوست خوبی برای همه و یک همسر واقعی در ازدواج و زندگی مشترک خواهد گردید. دختر و پسری که خوب تربیت شوند از خود خواهند پرسید: "من چه کمکی می توانم به همسرم برسانم؟ چگونه به عنوان یک جزء در کل جامعه جای می گیرم؟"

آیا این واقعاً تحقق خواهد یافت؟ متأسفانه خانه های ما تبدیل به هتل ها، خانه های فساد و فروشگاه های کارگران محلی و خدمتگزاران شده است. در نتیجه اطفال در مرحله ای از حیات که مراقبت های والدین و انجمن های اجتماعی برای بهبود وضعیت شان نهایت اهمیت را دارد مورد غفلت واقع می شوند. وجود این پدیده باعث می شود که کودکان در خردسالی در اختیار قاچاقچیان قرار می گیرند، به کارخانه راهی می شوند و با خانواده ای پر از مشکلات و مسوولیت ها در منجلاب فساد و تباهی فرو می روند. وجود میلیون ها کودکان کار در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نشان می دهد که تا چه حد در حفظ، مراقبت و تغذیه بزرگترین دارایی های این جامعه ها قصور می شود. بر اساس تخمینی توسط سازمان جهانی کار^۱ شمار کودکان کار در سطح دنیا به بیش از ۵۲ میلیون نفر بالغ می شود که توزیع جغرافیایی آن به قرار ذیل است:

- کشورهای جنوب شرق آسیا، ۵۵/۷۷ درصد جهانی

- سایر کشورهای آسیایی، ۱۷/۵ درصد جهانی

- کشورهای آفریقایی، ۱۹ درصد جهانی

- کشورهای آمریکای لاتین، ۶ درصد جهانی

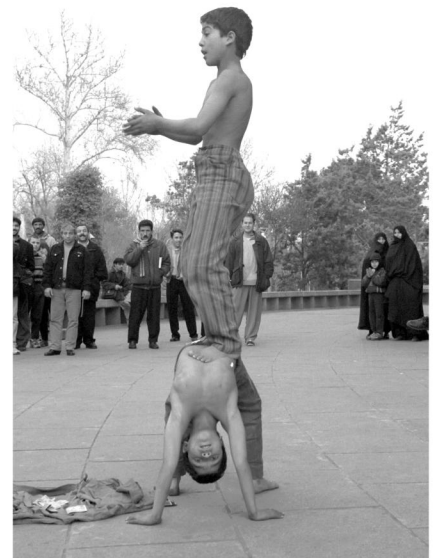
طبق تخمین های منفرد و غیر رسمی بین ۴۴ تا ۱۰۰ میلیون کودک کار در هند به سر می برند و بر اساس بیست و هفتمین بررسی جمعیتی نمونه ای ملی در سال ۳-۱۹۷۲، ۱۶/۳۳ میلیون کودک کار و در سال ۱۹۸۳ (سی و هشتمین نمونه گیری) شمار این کودکان بالغ بر ۱۷/۲۶ میلیون نفر بوده است. آمار ضد و نقیض موجود در خصوص کودکان کار نشان دهنده تفاوت های فاحش در سازمان های مختلف از این مسأله است. سازمان ها فعالیت هایی از قبیل تفریح، بازی و تحصیل را کار کودک نمی دانند، بنابراین "کار کودک" شامل نوعی کار است که متضمن انواع استثمار از قبیل استثمار جسمانی، روانی و اقتصادی است که سلامتی و رشد اطفال را به شدت تهدید می کند. اما تعریف قانونی کودکان کار بر اساس مواد قانونی متعدد با این دیدگاه متفاوت است. طبق تعریف گروه پژوهش عملی بارودا^۲ در هند، کودکان کار چنین تعریف شده اند: کودکانی که بین سنین ۵ تا ۱۵ سال هستند، به کار اشتغال دارند و از هیچ گونه حمایت اجتماعی و بیمه ی شغلی برخوردار نیستند. به این کودکان در ازای کاری که انجام می دهند ممکن است دستمزدی پرداخت شود یا نشود. این اطفال در هر زمان از روز در خانه و خارج از آن گرفتار هستند. رهن^۳ (۲۹۷:۱۹۹۲). گروه پژوهشی نیگالی، سازمان حمایت از کودکان کار بنگلادش^۴ کودکان کار را چنین تعریف می کند: "کودکان شاغل بدون دستمزد یا با دستمزد زیر پانزده سال که به صورت تمام وقت یا نیمه وقت مشغول کار هستند." CWC (۵۸۹۱-۶)

سایر منابع اعلان نموده اند که کودکان کار شامل هر کودکی است که به تحصیل اشتغال ندارد.

آمار جهانی کودکان کار

جدول ۱ توزیع کودکان کار در سطح جهانی

منطقه	تعداد بر حسب میلیون نفر	درصد
آسیای جنوب شرقی	۲۹	۵۵/۷۷
سایر کشورهای آسیایی	۹/۱	۱۷/۵
آفریقا	۹/۷	۱۸/۶۵
آمریکای لاتین جنوبی	۳/۱	۵/۹۶
اروپا	۰/۷	۱/۳۴
آمریکای شمالی	۰/۳	۰/۵۷
اقیانوسیه	۰/۱	۰/۱۹
جمع	۵۲	۱۰۰



به طوری که در جدول (۱) مشاهده می شود اکثریت مطلق کودکان کار جهان متعلق به کشورهای آسیای جنوب شرقی و دیگر کشورهای آسیایی است (۷۳/۲۷ درصد). آفریقا بعد از آسیا بالاترین میزان کار را در اختیار دارد. (۱۸/۶۵ درصد) و کشورهای آمریکای لاتین در سطح جهانی سومین مقام را از لحاظ وجود کودکان کار دارند (۵/۹۶ درصد). به عبارت دیگر بین میزان رشد اقتصادی و اجتماعی کشورها با میزان کودکان کار در سطح جهانی رابطه‌ی معکوس وجود داشته و با افزایش رشد و رفاه اجتماعی کشورها از جمعیت کودکان کار کاسته شده است.

تعریف کودکان کار

بر اساس تعاریف متعدد، دو شاخص اصلی برای تعریف کودکان کار وجود دارد:
الف - کار مبتنی بر استثمار

ب - سن

در ارتباط با مسأله‌ی استثمار، یونیسف توصیف جامعی از کودکان کار به قرار ذیل مطرح نموده است:

- (۱) شروع به کار تمام وقت در سنین خردسالی
- (۲) اشتغال طولانی در خانه یا خارج از آن به طوری که مانع تحصیل کودک باشد.
- (۳) اشتغال به کاری که مشمول فشارهای شدید اجتماعی، روانی اجتماعی از قبیل استثمار جنسی، سو استفاده به عنوان پورنوگرافی،^۵ کار در دکه‌های دستفروشی، اشتغال به کارهای خطرناک از قبیل کار در جبهه‌های جنگ و معادن.
- (۴) کار در خیابان غیر سالم و خطرناک
- (۵) دستمزد ناکافی برای کار در خارج از خانواده مانند وضعیت اطفال کارگر در صنعت قالیبافی



که در ازای ۶۰ ساعت کار هفتگی صرفاً ۳ دلار آمریکایی دریافت می کنند.
(۶) داشتن مسوولیت‌های بسیار سنگین در چنین سن کمی در محیط خانوادگی، یعنی جایی که اطفال زیر ۱۰ سال باید به جای حضور در کلاس‌های درس مدرسه به مراقبت از برادران و خواهران کوچکتر خود در تمام روز بپردازند.

(۷) انجام کارهایی که متضمن رشد و بالندگی روانی و اجتماعی کودک نبوده و بلکه مجبور به فعالیت شغلی تمام وقت و انجام وظایف در محیطی رقابتی در حرفه‌هایی نظیر تولید صنایع دستی است.

(۸) انجام کارهایی که موجب تقلیل عزت نفس کودک می شود، از قبیل روسپیگری و در سطح متداول تر، اشتغال به کارهایی که در نظر مردم تحقیرآمیز است.

به هر حال، از نظر جنبه‌ی تولیدی، کار کودک شامل هر نوع کاری است که داخل یا خارج از خانواده، به قیمت تهدید رشد جسمی و روانی کودک به واسطه‌ی انکار حقوق اساسی و غیر اساسی او تمام می شود.

اکثر کودکان کار در بخش سازمان نیافته و محیط‌های خیابانی حاشیه‌ای به کار اشتغال می‌ورزند...

**در حال حاضر
کار کودک به عنوان یک واقعیت
تلخ پذیرفته شده است، چرا که از
لحاظ اقتصادی به علت
ویژگی‌هایش مورد تقاضای
تولیدکنندگان است.**

انگیزه‌ی کار فرمایان در سوء استفاده از کار کودکان

در حال حاضر کار کودک به عنوان یک واقعیت تلخ پذیرفته شده است، چرا که از لحاظ اقتصادی به علت ویژگی‌هایش مورد تقاضای تولیدکنندگان است. از جمله علت‌های تقاضای مولدان به استخدام کودکان ارزان‌تر بودن کار کودک نسبت به بزرگسالان است بنابراین کار کودک به مراتب بیش از کار بزرگسالان مقرون به صرفه است. از دیگر علت‌های پایداری بیشتر کودک در ادامه‌ی کار معین است.

کودکان با حقوق کمتر زمان بیشتری کار می‌کنند. در فرایند کار کودک سود و انتفاع صرفاً شامل کارفرما می‌شود. کودکان قانوناً نمی‌توانند اتحادیه‌ی صنفی تشکیل دهند. احتمال تغییر شغل آن‌ها نسبت به بزرگسالان از لحاظ طول مدت کار بسیار کمتر از بزرگسالان است و در صورت عدم نیاز کارفرما به آنان اخراج‌شان به مراتب سهل‌تر از بزرگسالان است (به علت کم بودن سن کارفرما ملزم به بیمه نمودن آن‌ها نیست) و اخراج کودکان از کار مستلزم بازخرید و یا جبران مالی نیست. از دیگر دلایل تقاضا برای کار کودکان تن دادن آن‌ها به کار در مشاغل ویژه است. بطور کلی کودکان فعال‌تر و فرزتر از بزرگسالانند و در برخی کارهای خاص دیرتر از بزرگسالان خسته می‌شوند. هم‌چنین اخراج، تنبیه و بد رفتاری با کودکان در صورت ارتکاب به خطایی شغلی ساده‌تر از بزرگسالان است و معمولاً این اعمال غیر انسانی با بازخواست مواجه نمی‌شود. (موزافیت^۷، سینگ^۸، ۱۹۸۰: ۵۳-۱۵۲) نقل قول از کران باتی^۹.

از جمله عوامل مهم در عرضه‌ی کار کودک فقر خانوادگی و لحاظ کردن نقش اقتصادی کودک در تقویت بنیه‌ی اقتصادی خانواده است. برداشت‌های موجود بین کودک و کار مبتنی بر پایگاه پایین اقتصادی خانواده‌هایی است که اطفال را به عنوان نوعی دارایی و منبع اقتصادی (ابزار تولید) خانواده‌ها تلقی می‌کنند. چنین برآورد شده است که فقر در خانواده‌هایی که کودکان کار



دارند به حدی است که کودکان برای بقای آن ناچارند نقش‌های مختلفی از قبیل مشارکت در کارهای خانه، کمک به والدین در انجام مشاغل‌شان، قبول انواع مسوولیت‌های خانوادگی، به طوری که به والدین امکان اشتغال در خارج از خانواده را بدهند و کار در خارج از خانه به عنوان کارگران ارزان قیمت و در کارخانجات کوچک، مؤسسات تجاری و خانگی را نیز شامل می‌شود. کودکان برای تأمین مایحتاج خود مجبورند ساعات طولانی به کارهایی اشتغال ورزند که نه از سلامت جسمی برخوردار است و نه تکافوی نیازمندی‌های‌شان را می‌نماید تا چه رسد به رفع نیازهای سایرین. از طرفی کودکان کار به منظور آماده کردن زمینه‌ی شغلی والدین ناچارند مسوولیت‌های متعدد خانوادگی را نیز به عهده گیرند.

کارآیی شغلی آتی کودکان کار در مقایسه با محصلان

با توجه به این که تعلیم و تربیت مدرسه بر مبنای آماده سازی کودکان جهت احراز مشاغل سطوح بالای سفیدان (white collars) است، والدین کودکان کار در برآوردی که از وضعیت موجود به عمل می‌آورند آن مکانیزم را در رفع نیازهای آتی خود ناکارآمد مشاهده می‌کنند.

استخدام کودکان کار با حقوق بسیار کم در شرایط نامساعد آن‌ها را از فرصت‌های رشد جسمانی، عاطفی و ذهنی باز می‌دارد و استعدادهای خدادادشان معطل و بدون استفاده می‌ماند.

برعکس تجربه‌ی شغلی کودک در سنین پایین را زمینه مساعدی برای تضمین شغل زمان بزرگسالی شان تجربه می‌کنند [واقعیت این است که در کشور ما ایران نیز آمار بیکاران در سطوح بالای تحصیلی (دانشگاهی) به مراتب بیش از سطوح پایین است].

متوسط درآمد کودکان کار

طبق نتایج حاصل از مطالعات انجام شده توسط موسسه‌ی ملی کار هندوستان معلوم شده که متوسط درآمد هفتگی کودکان کار دختر که در کارخانجات کبریت سازی کار می‌کنند بین ۱۲ تا ۶۰ روپیه است و اکثر آن‌ها پایین‌ترین قشر را در هرم اقتصادی تشکیل می‌دهند. بر اساس تحقیقی پیمایشی که توسط دولت بنگلادش در سال ۱۹۸۶ و در خصوص وضع اسفبار کودکان کار در اماکنی چون هتل‌ها، رستوران‌ها، قهوه‌خانه‌ها، واحدهای کوچک مهندسی و غیره به عمل آمده، ۴/۵ درصد این کودکان بدون دریافت دستمزد، ۱۳/۹۳ درصد دستمزدی کمتر از ۵۰ روپیه در ماه، ۵۴ تا ۷۴ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ روپیه در ماه و ۱۷/۸۹ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۱۵ روپیه در ماه دریافت می‌کردند.

در هندوستان کودکان کار شاغل در شهرها غالباً بدون دستمزد کار می‌کنند، بخصوص مواردی که در فعالیت‌های خانواده‌های شان شرکت دارند و هم چنین کودکانی که با والدین شان یا سایر بستگان شان در مشاغلی چون ساختمان و معدن همکاری می‌کنند دستمزدی دریافت نمی‌کنند به هر حال مطالعات خرد نشان می‌دهد که میزان درآمد ماهانه کودکان کار بین صفر تا دو بیست الی سیصد روپیه است. به علاوه تبعیضات سنی و جنسی نیز در این میان مطرح است. آن‌چه که در سطح جهانی تأیید شده است این است که دستمزد کودکان کار در شهرها بسیار ناچیز است. طبق مطالعات انجام شده در "موسسه‌ی توسعه مدرّس"، در سال ۱۹۸۶ ارزان‌ترین نوع شغل، مشاغل کودکان کار در سطح شهرهاست که از ویژگی‌های آن رقابت شدید در بازار کار و عرضه‌ی بیش از تقاضاست. نسبتی از کودکان جذب بازار کار واحدهای بدنام کبریت‌سازی سیواکاسی^{۱۱} معروف به "فرز انگشتان"^{۱۲} می‌شوند.

بهای واقعی کار کودک

اشتغال هر کودک کار به معنای بیکار ماندن یک بزرگسال است. استمرار استخدام کودکان با دستمزد ناچیز روی میزان دستمزد عمومی نیز تأثیر می‌گذارد. استخدام کودکان کار با حقوق بسیار کم در شرایط نامساعد آن‌ها را از فرصت‌های رشد جسمانی، عاطفی و ذهنی باز می‌دارد و استعدادهای خدادادشان معطل و بدون استفاده می‌ماند. از امید زندگی شان می‌کاهد و موجب عواقب وخیمی برای جامعه می‌شود. به رغم دستمزد ناکافی، فرصت تحصیل، برخورداری از بهداشت، خلایق، معلومات مربوط به جهان و محیط اطرافشان را از دست می‌دهند و در نتیجه زیان و خسارت ناشی از این مسأله بسیار زیاد و جبران‌ناپذیر است.

چنان‌چه ۱۷ میلیون کودک هندی که جایشان در مدرسه است ناگزیر به کار اشتغال ورزند، این جابه‌جایی موجب میلیون‌ها روپیه خسارت مادی می‌شود. به همین مناسبت در سه دهه‌ی اخیر که تعداد کثیری از کودکان به جای رفتن به مدرسه به کار اشتغال ورزیده‌اند باعث گردیده‌اند که اقتصاد هند نسبت به سایر کشورهای آسیایی که کودکان شان به مدرسه می‌روند به طور فاحشی تضعیف شود. بنابراین میان اشتغال کودکان به کار و رشد منفی اقتصادی کشورها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (م.پ. یوسف و گاتام بانرجی). از این جهت‌گزینش یکی از این دو راه یعنی رفتن کودکان به مدرسه یا اشتغال آن‌ها به کار، عامل مهمی در مسابقات رشد اقتصادی کشورها محسوب است. بنابراین غالب برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در ارتباط با کار کودکان یابی اعتبار و یا ضعیف است. علت اصلی امر، این است که خسارت اجتماعی و در نهایت حتی خسارت اقتصادی در ارتباط با کودکان کار بسیار چشمگیر است. از این جهت کار کودکان بیش از آن‌که پدیده‌ای در ارتباط با فقر باشد پدیده‌ای ناشی از نگرش‌های اجتماعی و چگونگی حساسیت‌های جامعه است. در غیر این صورت مادام که کار کودکان صرفاً یک مسأله‌ی اقتصادی تلقی شود بحث و جدل‌های متعددی در جهت توجیه آن به عنوان نشانه سیاست‌گذاری‌های نامناسب و فقدان عزم جزم در ریشه‌کنی آن در جامعه در می‌گیرد.

حاصل کلام

محرومیت میلیون‌ها کودک از محیط گرم و پر بار تربیتی، آنان را از زندگی طبیعی و توأم با نشاط باز می‌دارد. متأسفانه اکثریت کودکان کار در کشورهای آسیایی ساکنند. آمار ضد و نقیض

کارفرمایان معمولاً استخدام کودکان را به علت مزایای بیشتری که برای آن‌ها دارد بر بزرگسالان ترجیح می‌دهند. از آن جمله استثمار و سودآوری بیشتر و تعهدات به مراتب کمتر نسبت به بزرگسالان را می‌توان نام برد.

موجود در خصوص کودکان کار نشان دهنده‌ی برداشت‌های متفاوت سازمان‌های مختلف از آنان است. از جمله ویژگی‌های کودکان کار طبق تعاریف رسمی و بین‌المللی، اشتغال بدون دستمزد و یا با دستمزد ناچیز اطفال زیر ۱۵ سال به طور تمام وقت و پاره وقت و اشتغال آنان به جای تحصیل است. اشتغال به کار این کودکان غالباً توأم با فشارهای شدید اجتماعی، روانی و انواع سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی و اجتماعی است. مسوولیت این اطفال در خانواده مضاعف است و غالباً تعهداتی در قبال ایفای نقش‌های والدین نیز بر عهده دارند. اشتغال کودکان کار ممکن است در خانه و یا غالباً در محیط‌های غیر رسمی و سازمان نیافته حرفه‌ای صورت گیرد.

کارفرمایان معمولاً استخدام کودکان را به علت مزایای بیشتری که برای آن‌ها دارد بر بزرگسالان ترجیح می‌دهند. از آن جمله استثمار و سودآوری بیشتر و تعهدات به مراتب کمتر نسبت به بزرگسالان را می‌توان نام برد.

وجه اشتراک کودکان کار، فقر خانوادگی و اجتماعی است.

غالباً در خانواده‌های کودکان کار برنامه‌ریزی تربیتی برای آینده این کودکان وجود ندارد و ارزش ابزاری و آنی آنان فدای رشد و بالندگی‌شان برای تأمین آینده روشن‌تر می‌شود. طبق بررسی‌های انجام شده نرخ دستمزد کودکان کار در شهرها بسیار ناچیز است و از جمله علت‌های آن وجود رقابت شدید در بازار کار و عرضه بیش از تقاضای کار است.

اشتغال به کار کودکان علاوه بر صدمات جسمی، عقلانی و روانی و اخلاقی که بر آن‌ها وارد می‌سازد، روی میزان دستمزد عمومی و اشتغال بزرگسالان و افزایش آسیب‌های اجتماعی نیز اثرات منفی به جای می‌نهد.



۱. ILO
 ۲. Baroda
 ۳. Rehman
 ۴. The Concerned for Working Children (CWC)
 ۵. Pornography (صورت‌بندی)، تهیه مواد سمعی و بصری جنسی به صورت فیلم و غیره.
 ۶. Unorganized
 ۷. Musafit
 ۸. Singh
 ۹. Kiran Bhatti
 ۱۰. Madras Institute of Development
 ۱۱. Sivakasi
 ۱۲. nimble fingers
- برای اطلاعات بیشتر مراجعه فرمایید به:
Law, sarup and sons, New delhi Ali.S C.K Shukla (۶۰۰۲),
Children Labour and the
the elimination of child labour M.P. Joseph Gautam Banerje
chambers of commerce and industry ILO Trade Union and
paper for workshop o combating child Labour (۶۱-۸۱ May, by
Kiran bhatti (۱۹۹۵),

مرا تفسیر هجران است بی تو

رونا جعفری

"رونا جعفری" دختر ۱۴ ساله ی افغان، از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ در انجمن مشغول به تحصیل بوده است. رونا در این مدت در کلاس های عکاسی، نقاشی، سرود، قصه خوانی و ... شرکت می نمود. او در دومین جشنواره ی عکس کودک کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان مقام سوم را کسب نمود.

وی در خانه کار می کرد و هم زمان در انجمن درس می خواند. خانواده ی رونا در سال ۱۳۸۳ به افغانستان باز گشتند. نامه ای که پیش رو دارید از "رونا جعفری" است.

به نام پیوند دهنده ی قلب ها

اینجانب رونا جعفری یکی از اعضای انجمن حمایت از کودکان کار سلام های خودم را برای هر یک از دوستانم عزیزم خانم "بناساز"، آقای "فراهانی"، خانم "هاشمی"، خانم "محمدی"، خانم "حسن زاده"، خانم "برادر"، آقای "حسن زاده"، آقای "شیشه چی" و دیگر معلمان عزیزم که اسم هایشان را فراموش کرده ام تقدیم می دارم.

بعد از عرض سلام، صحت و تندرستی شما عزیزان را از بارگاه ایزد متعال خواهانم. استادان عزیزم حرف ها و گفتنی ها زیاد است اما چه کنم نزدیک شما نیستم که همه ی آن ها را ذکر کنم.

دلم برای همه ی شما دوستان خوبم خیلی تنگ شده به حدی که دلم می خواهد پرواز کنم، اما چاره ای به جز صبر خداوندی نیست.

همین لحظه ای که این نامه را می نویسم اشک از چشمانم جاری می شود و فکر می کنم از قلبم قطره های خون می چکد.

بعد از جدا شدن از شما هیچ کسی را به خوبی و مهربانی شما پیدا نکرده ام در زندگی مثل دیوانه ها شدم.

نمی دانم که شما را در کجای این کره ی خاکی ببایم؟ زمین و آسمان مرا جانمی دهد از هیچ چیز خوشم نمی آید در این دنیا دل خوشی را احساس نمی کنم فقط امیدم این است که خداوند بزرگ روزی مرا به شما نزدیک بسازد.

زندگی در افغانستان به سختی می گذرد این وطن آواره ی ما هنوز هم آرام نشده هر روز جنگ و انفجارات ادامه دارد.

اما به هر حال این زندگی بدبختانه ی ما می گذرد.

این وطن جنگ زده ی خودم را هرگز دوست ندارم، دلم می خواهد دوباره به ایران برگردم و پیش شما باشم.

خانم "بناساز" حرف های خوب شما و قسم های شما را هرگز فراموش نکرده ام و در همین بدبختی ها مدرسه ام را به پیش می برم، امسال کلاس دهم بودم سال آینده به خواست خداوند توانا کلاس یازدهم می شوم.

در این جایی که ما زندگی می کنیم نظر به اقتصاد ضعیف مردم، صندوق پستی وجود ندارد که من برای تان نامه بفرستم.

اگر نامه ی من به دست تان رسید دوباره جواب نامه را به دست دایی ام که در ایران است و شاید نامه ی مرا به شما بدهد بفرستید و شماره ی تلفن خودتان را هم بنویسید.

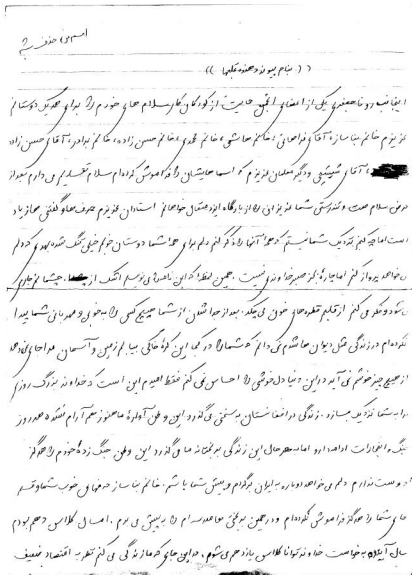
با احترام دوست کوچک شما، رونا جعفری

از راه دور، با قلب نزدیک با دلی پر از خون، به امید دیدار، خدا حافظ.

مرا تفسیر هجران است بی تو
صفای وصل حرمانست بی تو
صبوری دیگرم سودی ندارد
امید چشم گریان است بی تو



انجمن حمایت از کودکان کار - شماره ی ۱۰



ثانیه‌های سیاه

ایمل کریمی و سمیه حکیمی

در تلویزیون تصویر کودکی را می بینم که تماشایش گیجم می کند، دخترکی که موهایش را به بالای سرش بسته و صورتش سوخته، صورتش سیاه بود به سیاهی زغال، چشمانش از شدت ترس برق می زد و بهت زده به دنبال چیزی می گشت.

این تصویر شاید کمتر از ۵ ثانیه بود، کودک بعدی کوچک بود شاید دو سال بیشتر نداشت دست و پا می زد، گریه می کرد صدای گریه اش هنوز هم در گوشم می پیچد و در مغزم غوغایی به پا می کند، این تصویر هم چند ثانیه بود.

تصویر بعد مردی را نشان می داد که کودک مرده‌ی خود را بر روی دو دستانش گرفته و سه فرزند دیگرش را نشان داد که بر روی تختی افتاده بودند ولی کاملاً پیدا بود که دیگر زنده نیستند.

مهر، وفا و مردانگی در این جا به باد فراموشی سپرده شده است چون قلب سیاه بعضی از آدم‌های بزرگ که شیطان و ظلم در آن خانه کرده است گنجایش رنگین کمان‌های خیال کودکان را ندارد.

آن جا غزه است، مزرعه‌ای که محل کشتار آدم‌های بی گناه شده است.

دلم برای شما کودکان معصوم می سوزد که چرا زخمی می شوید، کشته می شوید، مادرتان می میرد، پدرتان زیر خاک خانه‌ی ویران شده‌تان ناپدید می شود.

ای آدم‌های بزرگ! آیا شما در کودکی تان دوست نداشتید بازی کنید، آیا در ذهن تان رویای بهترین اسباب بازی‌ها را نداشتید، چرا بزرگ شدید همه‌ی آن‌ها یادتان رفت و انسانیت را فراموش کردید.

چرا شما که دوست داشتید همه درکتان کنند و به حقوقتان احترام بگذارند وقتی بزرگ شدید کودکان را درک نکردید؟

ما دوست داریم دنیای آرامی داشته باشیم و هر روز در تمام رسانه‌ها از جنگ نشنوم و نبینیم. ما می خواهیم از شرافت انسان‌ها بشنوم، بخوانیم و ببینیم، نه آن‌که هر روز برای قتل عام آدم‌ها افسوس بخوریم و دنیا به جای آن‌که به سوی پیشرفت برود بیشتر عقب مانده شود.

هیچ انسانی حق ندارد که حق زندگی کردن را از انسانی دیگر بگیرد ولی آدم‌ها وقتی بزرگ می شوند این‌ها را فراموش می کنند و نمی دانند که انسانند و انسان اشرف مخلوقات است نه باعث نابودی.

ای آدم‌های بزرگ!
آیا شما در کودکی تان دوست نداشتید بازی کنید، آیا در ذهن تان رویای بهترین اسباب بازی‌ها را نداشتید، چرا بزرگ شدید همه‌ی آن‌ها یادتان رفت و انسانیت را فراموش کردید. چرا شما که دوست داشتید همه درکتان کنند و به حقوقتان احترام بگذارند وقتی بزرگ شدید کودکان را درک نکردید؟



خاطره‌ای از یک شب یلدا

شکیلا احمدی

"شکیلا احمدی"، عضو انجمن حمایت از کودکان کار، از کلاس اول در انجمن حضور و در سایر فعالیت‌های انجمن شرکت داشته است.

ایشان در حال حاضر ۱۳ سال دارند و در کلاس دوم راهنمایی درس می‌خوانند.

نوشته‌ای که ملاحظه خواهید نمود خاطره‌ی او از مراسم شب یلدا است که دی ماه سال ۱۳۸۷ در انجمن برگزار شد.

ما شب یلدا نگرفتیم، ولی یک روز یلدا گرفتیم. روز تقریباً آفتابی بود.

من پس از رفتن به دو کلاس درسی ریاضی و فارسی بعد از ساعت ۱۲ ظهر کلاس مشاوره‌ی مددکاری داشتم. به معلم گفتم ما امروز نمی‌توانیم به کلاس بیاییم.

در آن روز "امید فقیرزاده" ننه‌سرما و "شفیق محمودی" دختر و همراه ننه‌سرما شده بودند. من و چند تا از دوستانم مطالبی را در مورد شب یلدا در اقوام مختلف تهیه کرده بودیم. روز قبل معلم فارسی مان به انجمن آمده بودند و از ایشان کمک گرفتیم و مطالبی را که بلد نبودم تمرین کردم. روز یلدا همه منتظر خانم "توده‌کشت" بودیم تا بیاید و ما مطالب را برایشان بخوانیم. وقتی مراسم جشن شروع شد همه جمع بودیم. بالاخره ننه‌سرما آمد، با دخترش. من دوست داشتم اولین روز زمستان باران بیارد اما نیارید.

آقای "روشن" لطف کردند سه‌تار و دف برای مراسم آوردند، ایشان ساز دف می‌نواختند و آواز می‌خواندند. اولین آواز "ملا ممدشاه" بود که همیشه به یادم می‌ماند. البته بگویم گاهی فکر می‌کنم حافظه‌ی قوی ندارم، ولی این‌ها را در ذهنم در جای امنی قرار می‌دهم و با بودن این دفتر خاطرات همیشه بیادش می‌افتم. ضمناً با توصیه‌ی مربی ام به وسیله‌ی تمرین و تمرکز و تکرار سعی دارم حافظه‌ام را تقویت کنم.

این اولین یلدایی بود که از طرف کتابخانه و شورای کتابخانه‌ی انجمن برگزار می‌شد. روز خوبی بود ولی روزی که دوست داشتم بارون بیاد دو روز بعد اتفاق افتاد. نه برای شادی، بلکه برای غم و اندوه. (روزی که مجتبی رفت)



عکس از ایمل کریمی



وقتی مراسم جشن شروع شد همه جمع بودیم.

بالاخره ننه‌سرما آمد، با دخترش.

کودکان آموزگار

محمد بشیر محمودی - عتیق اله جلالی

محمد بشیر و عتیق اله، ۱۷ ساله، اعضای انجمن حمایت از کودکان کار هستند که در حال حاضر در مقطع دوم راهنمایی در انجمن مشغول به تحصیل اند. ایشان برای تعدادی از کودکان که به دلیل کار نمی توانند در ساعات کاری انجمن در کلاس ها حاضر شوند، کلاس های شبانه ی سوادآموزی دایر کرده اند. هم چنین محمد بشیر از سوم ابتدایی و عتیق اله از چهارم ابتدایی در انجمن تحصیل کرده اند. حس مسوولیتی که کودکان انجمن نسبت به یکدیگر دارند تحسین برانگیز است. نوشته ای که مطالعه خواهید نمود، گزارش محمد بشیر و عتیق اله در مورد کلاس های شان است.

ز گهواره تا گور دانش بجوی

کلاس پسران بزرگ سال از اوایل آذرماه با همکاری محمد بشیر و عتیق اله با نظارت انجمن شروع شد.

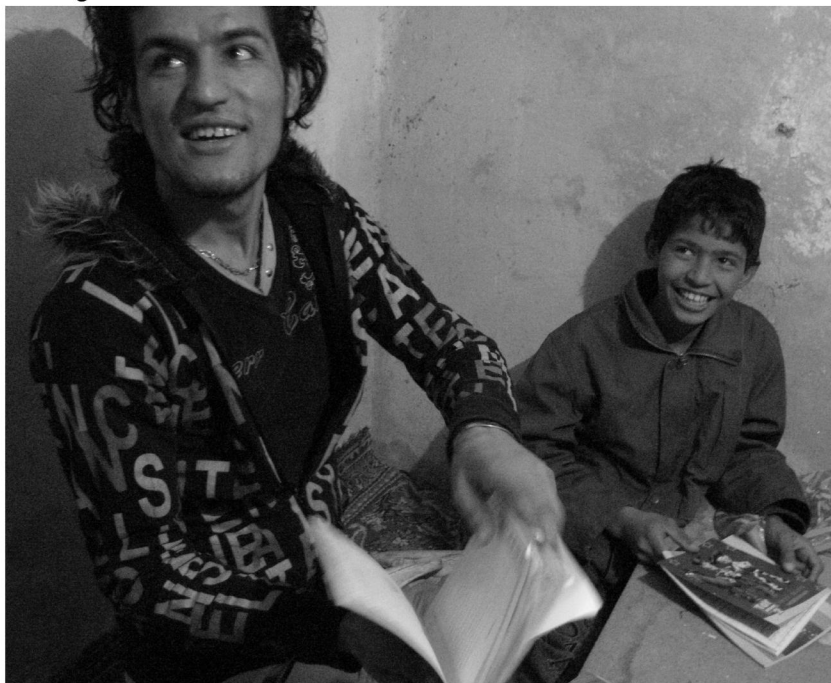
هدف از تشکیل کلاس توانایی خواندن و نوشتن برای دانش آموزان کلاس است. محمد بشیر مسوولیت درس دادن فارسی اول و عتیق اله زبان انگلیسی را پذیرفتند. وسایل مورد نیاز این کلاس از طریق بخش آموزش انجمن تهیه می شود. در هفته ۴ شب و هر شب ساعت ۱۰/۳۰ - ۹ در زیرزمین منزل خانه محمد بشیر برگزار می شود. سیستم آموزشی این کلاس طوری است که پس از پایان هر درس امتحان املا گرفته می شود. در صورت آمادگی شاگردان، به درس بعدی می پردازند. اگر توانایی وجود داشته باشد، امکان بیشتر شدن تعداد دانش آموزان نیز وجود خواهد داشت.

امکانات موجود در کلاس عبارتند: از یک تخته وایت برد متوسط، ۲ عدد ماژیک وایت برد، میز و صندلی معلم کلاس و موکتی که بچه های کلاس روی آن نشسته و درس می خوانند. همگی کلاس اول دبستان را می خوانند، از بین بچه ها فرید که کمی سواد خواندن و نوشتن از قبل دارد با عتیق اله از بچه های کلاس دوم راهنمایی انجمن که ۱۷ ساله است زبان انگلیسی می خواند. محمد بشیر معلم کلاس اول بچه ها است.

۱۱

www.apcl.org.ir
info@apcl.org.ir

عکس از ذبیح محمدی



حس مسوولیتی که کودکان انجمن نسبت به یکدیگر دارند تحسین برانگیز است.

اسم من مجتبی هست. ۹ ساله بودم چایی می فروختم. تو پارک شوش که از انجمن یه آقا و یه خانمی اومده بودند و گفتند: میخوای درس بخونی. اون موقع من تو یه مدرسه ای درس می خوندم که ماهی ۱۰۰۰ تومان شهریه می دادیم، درس بخونیم. به خاطر همین بعد از این که گفتند، دوست داری درس بخونی ما هم که خوشحال شدیم، موقعیتی پیش نیومده بود کسی بیاد به ما بگه بیا درس بخون. ما هم خوشحال شدیم. آدرس انجمن رو به ما دادن و ما اومدیم انجمن. عکسایی که توی پارک از من گرفتند رو به من نشون دادند. یعنی من خوشحال شده بودم که یکی مثلاً اهمیت داده بعد عکسای من رو گرفته بود. مثلاً کسی تا حالا نبود که غریبه ای یا کسی از کسی عکس بگیره و بیاد به اون بگه که می خواهی درس بخونی. منم از همون موقع تا الان تو این جا کلاس اول اومدم، اسم نوشتم تا الان هم دارم درس می خونم.

عکس از ایمل کریمی



عکسایی که توی پارک از من گرفتند رو به من نشون دادند. یعنی من خوشحال شده بودم که یکی مثلاً اهمیت داده بعد عکسای من رو گرفته بود.



آروم بخواب، راحت باش

خستگی های کار را از تن بیرون کن. رهاشده ای از بار سنگین مسوولیت. تو را دیگر نخواهم دید نه در پارک، نه در انجمن، نه در کوچه پس کوچه های مولوی، راحت باش. آرام بخواب دیگر نیازی نیست نگران فروش چای باشی، ۲۰ تومان، ۳۰ تومان، باربری، کارتن جمع کنی. اصلاً چه فرقی می کند تو چه کار می کردی مهم این است که الان آرام خوابیده ای. دیگر فریادهای پدر را نخواهی شنید که تو را مجبور به کار می کرد و دیگر نیاز مادر را نخواهی دید.

بخواب پسرک مهربان. بخواب خستگی های کار را از تن بیرون کن. بخواب شاید تو اصلاً خواب بودی و در خواب دیدی که در پارک باقوری بزرگ چای و سبد لیوان های یک بار مصرف به انجمن دعوت شدی. انجمنی برای تو. برای دوستانی چون تو. تو خواب دیدی که از تو عکس انداختیم و عکست را به تو نشان دادیم. تو در خواب درس خواندی در خواب خندیدی، در خواب بودی.

پسرک مهربان، یادت می آید من در خواب به تو گفتم صبور باش، در خواب به تو مجتبی خان آقا ... می گفتم تو در خواب درس می خواندی. کلاس اول، دوم، سوم تا پنجم و تو در خواب ۲۰ می گرفتی. تو در خواب شاد بودی. تو در خواب بودی مجتبی ...

تو را در خواب به سرکار فرستادند و تو رنج کشیدی

تو ۱۷ سال در خواب بودی.

آروم بخواب، آروم، آروم.

سمیکا - ۱۳۸۷/۱۰/۵



۱۳

عکس از ایمل کریمی



تو را هر روز می بینم ...

تو را هر روز می بینم و می دانم که چشمان غبار آلوده رایارای دیدن نیست

تو را هر روز می بینم ...

نگاه خسته اما پر ز شوق حرف ها دارد

غرورت پر صلابت، درس ها دارد

غم نان زخم ها دارد

دلت ابری است می دانم

دلت یخ کرده و تنهاست

و می دانم همین سوز زمستانی، نوید رویش گل در بهاران است.

یادگار ساروی - ۱۳۸۷/۸/۲۸

بهره‌کشی جنسی از کودکان قابل پیشگیری است*

سارا شهپار

در ماه نوامبر امسال نزدیک به ۳۰۰۰ نفر از ۱۲۵ کشور دنیا در ریودوژانیرو و برزیل گرد آمدند تا در سومین کنگره‌ی جهانی مبارزه با بهره‌کشی جنسی از کودکان و نوجوانان شرکت کنند. این کنگره‌ی سه‌روزه که حاصل همکاری صندوق سازمان ملل متحد (یونیسف)، دولت برزیل، سازمان غیردولتی (ECPAT) و گروه سازمان‌های غیردولتی پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک (NGO Group) بود به موضوع بهره‌کشی جنسی از کودکان و نوجوانان در محیط‌های خانواده، کار در جامعه در قالب مسایلی چون ازدواج زود هنگام، کار کودکان در منازل و تجارت جنسی شامل هرزه‌نگاری و بهره‌کشی جنسی از کودکان در محیط‌های مجازی (اینترنت) پرداخت.

هفت سال پس از آخرین کنگره‌ی جهانی مبارزه با بهره‌کشی از کودکان که در یوکوهامای ژاپن برگزار شد، مطالعات نشان از روند رو به رشد این پدیده به ویژه در محیط‌های مجازی و از طریق قاچاق کودکان که عمدتاً با هدف کار اجباری و برده‌داری جنسی صورت می‌گیرد، دارد. امسال کنگره‌ی ریودوژانیرو با هدف ایجاد هماهنگی میان اقدامات صورت گرفته توسط دولت‌ها، جوامع مدنی و محلی برای مبارزه با این پدیده، هم‌چنین جلب مشارکت جوانان و تلاش برای فهم بهتر چالش‌های پیش رو، تعریف اهداف راهبردی و راهکارهای عملی برای مبارزه‌ی موثر با بهره‌کشی جنسی از کودکان برگزار شد.

اما آن‌چه این کنگره را از دو کنگره‌ی پیشین که در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ به ترتیب در استکهلم سوئد و یوکوهامای ژاپن متمایز می‌کند، تأکید بر چاره‌جویی برای انواع غیرتجاری بهره‌کشی جنسی از کودکان در کنار تلاش برای محو انواع آن است. در طول سه روز برگزاری این کنگره، کارگاه‌ها، میزگردها و مباحثات بسیاری پیرامون مسأله‌ی بهره‌کشی جنسی از کودکان با محوریت‌های موضوعی زیر صورت گرفت:

۱. ابعاد جدید بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان
 ۲. بررسی چارچوب‌های حقوقی مربوطه و اهمیت ضوابط اجرای قوانین
 ۳. لزوم و اهمیت سیاست‌های یکپارچه‌ی بین‌بخشی
 ۴. نقش بخش خصوصی و مسأله‌ی مسوولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی
 ۵. بررسی راهکارهایی برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی
- از میان مباحث مطرح شده، روند رو به رشد هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت (پورنوگرافی)، ضرورت ایجاد و پیگیری رویه‌های دوست‌دار کودک در نظام‌های قضایی کشورها، لزوم اصلاحات ساختاری و ایجاد شبکه‌های حمایتی یکپارچه برای تضمین حقوق کودکان و حمایت از آنان، هم‌چنین تأکید بر مسوولیت مشترک همه بخش‌های جامعه اعم از دولت، بنگاه‌های اقتصادی، اجتماعات محلی، سازمان‌های غیردولتی، رهبران مذهبی و خانواده‌ها را برای مبارزه با بهره‌کشی جنسی از کودکان قابل توجه بود.
- این کنگره در روز ۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ با انتشار بیانیه‌ای با عنوان بهره‌کشی از کودکان غیرقابل اجتناب نیست، به کار خود پایان داد.

از استکهلم تا ریودوژانیرو

تلاش برای محو بهره‌کشی جنسی از کودکان بیش از دو دهه پیش در قالب جنبشی مدنی توانست توجه جهانیان را به این مسأله جلب کند. در این میان سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی حقوق کودکان با جمع‌آوری اطلاعات و انتشار گزارشات در باره‌ی وضعیت بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان و راهکارهایی برای مبارزه با این مسأله در شکل‌گیری و پیشبرد این جنبش نقشی بسزا داشتند.

در پی این تلاش‌ها، نخستین کنگره‌ی جهانی مبارزه با بهره‌کشی جنسی از کودکان در سال ۱۹۹۶ در استکهلم سوئد برگزار شد. به موجب بیانیه‌ی پایانی این کنگره که به تأیید بیش از ۱۲۲ کشور شرکت‌کننده رسید، این کشورها ملزم به ایجاد و گسترش راهکارها و برنامه‌های عملی برای پایان دادن به بهره‌کشی جنسی از کودکان شدند. در این بیانیه بهره‌کشی جنسی تجاری از کودکان به عنوان نقض حقوق بنیادی کودکان به هر نوع سوءاستفاده‌ی جنسی از کودک توسط بزرگسالان در ازای پرداخت نقدی یا جنسی به کودک یا فرد سوم یا افراد دیگر اطلاق می‌شود. چنین موقعیت‌هایی که با کودک به عنوان شی جنسی و شی تجاری رفتار می‌شود در نهایت به کار اجباری و نوعی برده‌داری موقت می‌انجامد. این کنگره که به دعوت سازمان غیردولتی (ECPAT) و همت دولت سوئد، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و گروه



به نظر شما

کدام کشور در همسایگی ما بیشتر

گرفتار این معضل است؟

لطفاً نظرات و مقالات خود را

به نشانی انجمن حمایت از کودکان

کار ارسال نمایید.

سازمان های غیردولتی پیمان نامه ی حقوق کودک در سال ۱۹۹۶ برگزار شد، موفق گردید مسأله ی بهره کشی جنسی از کودکان را برای نخستین بار در منظر عموم قرار داده و اراده ی سیاسی کشورها را برای مبارزه با آن برانگیزد.

دومین کنفرانس مبارزه با بهره کشی جنسی از کودکان پنج سال بعد در دسامبر ۲۰۰۱ میلادی در یوکوهاما ژاپن برگزار گردید.

گزارشات پیشرفت برنامه های کشورهای شرکت کننده که در جریان کنفرانس یوکوهاما ارائه گردید، منجر به روشن شدن ابعاد بیشتری از مسأله ی عرضه و مسأله ی تقاضا برای مبارزه ی موثر با بهره کشی جنسی تجاری از کودکان بود.

گزارشات ارائه شده در جریان این کنفرانس و ارزیابی های صورت گرفته حاکی از اقدامات مثبت به ویژه در جهت اصلاح و احیای قوانین در کشورهای و مناطق مختلف جهان برای حمایت موثرتر از کودکان علیه سوء استفاده جنسی بود. گرچه شواهد نشان می دهد وجود قوانین هیچ گاه به خودی خود خبر به کاهش و محو بهره کشی جنسی از کودکان نشده است و اطمینان از اجرا و نظارت بر حسن اجرای این قوانین از سوی دولت ها و جوامع مدنی هم چنان ضرورتی غیر قابل انکار است. در ژانویه ی سال ۲۰۰۲ اندکی پس از کنفرانس یوکوهاما، پروتکل اختیاری پیمان نامه ی حقوق کودک درباره ی خرید و فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان که در سال ۲۰۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده بود، لازم الاجرا شد. این پروتکل اختیاری با تأکید بر مجرمانه بودن ماهیت این گونه موارد نقض حقوق کودکان و التزام کشورهای عضو به بالا بردن آگاهی های عمومی و همکاری های بین المللی برای مبارزه با خرید، فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان گامی مهم در جهت حمایت موثر از کودکان و احقاق حقوق از دست رفته ی آن دسته از کودکانی که در چرخه ی بهره کشی و فحشا گرفتار آمده اند به شمار می آید. تصویب و پذیرش این پروتکل از سوی کشورها گرچه به ؟؟؟ محو بهره کشی جنسی از کودکان نسبت، دست کم نوید بخش اراده ی بین المللی برای مبارزه با این پدیده است. کشور ما ایران نیز در سپتامبر ۲۰۰۷ این پروتکل را تصویب نمود.

کم تر از ۵ ماه پس از لازم الاجرا شدن این پروتکل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست ویژه با حضور بیش از ۴۰۰ کودک از بیش از ۱۵۰ کشور و جمع بزرگی از سازمان های مدنی سند "جهانی شایسته ی کودکان" را به تصویب رساند.

حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده، بهره کشی و خشونت یکی از چهار اولویت مطرح شده در این سند است. حمایت از کودکانی که به هر نحو مورد آزار و بهره کشی جنسی قرار گرفته اند و اقدام برای بازتوانی آنان جهت بازگشت به جامعه، بار دیگر در قطعنامه ی پایانی اجلاس سال ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در آن بیش از ۱۷۰ تن از سران کشورها شرکت داشتند، مورد تأکید قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۶ نیز گزارش نتایج مطالعه ی جهانی بر روی خشونت علیه کودکان به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه گردید. یافته های این مطالعه که نخستین مطالعه ی جامعه در نوع خود است، نشان داد که خشونت علیه کودکان پدیده ای جهانی است و بهره کشی و سوء استفاده از کودکان در دنیا رو به افزایش است.

سال گذشته کمی پیش از برگزاری اجلاس سران گروه هشت کشور صنعتی این گروه با صدور بیانیه ی قاطعی علیه هرزه نگاری کودکان، کشورهای عضو را متعهد به اجرا قوانین مربوط به پورنوگرافی و در صورت لزوم اقدام برای اصلاح این قوانین و اطمینان از موثر بودن آنها نمود. علی رغم تمامی اقدامات مثبت صورت گرفته در سطح بین المللی و منطقه ای که منجر به پذیرش و امضای پیمان نامه های جهانی، توافق نامه های منطقه ای و دستور العمل های مفید برای حمایت موثر از کودکان و مبارزه با بهره کشی جنسی از آنان شده است، متأسفانه شواهد هم چنان حاکی از آن است که هر روز کودکان بیشتری گرفتار شبکه های فحشا و قاچاق انسان می شوند. در سال های اخیر قاچاق کودکان به منظور سوء استفاده ی جنسی و بهره کشی از آنان از راه هایی نظیر تورسیم جنسی و هرزه نگاری کودکان در فضای اینترنت کار اجباری شامل کار در منازل، گدایی و شرکت در اعمال مجرمانه و ... روزی رو به رشد داشته است.

هم چنین بدین ترتیب تلاش های صورت گرفته برای مبارزه با این پدیده بیش از پیش ناکافی می نماید. مسأله ی سوء استفاده و بهره کشی جنسی تجاری و غیر تجاری از کودکان امروزه چالشی جدی پیش روی دولت ها، جوامع و فعالان حقوق کودک است.

به نظر می رسد هر گونه تلاش برای پایان دادن به بهره کشی جنسی از کودکان و نوجوانان مستلزم اقدام هماهنگ و مسوولانه ی دولت ها به ویژه همکاری های منطقه ای و فرامرزی و جوامع مدنی و محلی است.

گزارش جشن‌های روز اول مهر و کودک

نثار ظریفی

۱۵/۷/۱۳۸۷، ۱۵ روز از اولین روزی که بچه‌ها به مدرسه رفتند گذشته است. ولی بچه‌هایی هستند که در بلا تکلیفی طولانی مدت گرفتار شدند. چند تن از بچه‌های خوب انجمن یک روز قبل از جشن آمدند به این جا تا هر کمکی که از دست شان بر می آید انجام بدهند.

سمیر، قدرت، امید، مرتضی، فاروق و دختر خانم‌های کلاس اول راهنمایی انجمن که متأسفانه اسم شان را نمی دانم کسانی بود که همواره در کنار مسوولان و همکاران انجمن هستند و خواهند بود. هر کسی مشغول کاری بود. سمیر و قدرت چون قدشان بلندتر از دیگران بود مشغول نصب کردن وسایل تزئینی شدند. دخترها در تمیز کردن کلاس‌ها به همدیگر کمک کردند، میزها و نیمکت‌ها و تخته‌های کلاس‌ها را مثل روز اول تمیز کردند. تنها چیزی که همیشه می توانستم در چهره‌ی بچه‌ها ببینم لبخند گرمی بود که به هر کس انرژی خاصی می داد. کسی آن روز نیامده بود تا بعد از این که کارش تمام شد. جایزه و پولی و یا هر چیز دیگری بگیرد. همه آمده بودند تا از جان و دل برای خودشان و دوستان شان و انجمنی کمک کنند تا در هر چه بهتر شد جشنی که فردا یعنی ۱۶ مهر، روز کودک بود سهیم باشند. بعد از این که تمام کارها انجام شد، یعنی بادکنک‌ها باد شدند و وسایل تزئینی به دیوار آویخته، صندلی‌ها به ترتیب چیده شدند، بلندگوها، آکو و تمام چیزهایی که روی سن چیده شدند و بعد هر که سراغ کار و زندگی خودش رفت، ولی به این امید که فردا یک جشن بی نظیر داشته باشند که همین طور هم شد.

۱۶/۷/۱۳۸۷، امروز ۱۶ مهر است روز کودک همه جا برای بچه‌ها جشن گرفته اند ولی در انجمن حمایت از کودکان کار برای بچه‌های انجمن ۲ جشن گرفته شده است. یکی برای روز اول مهر که جشن ورود بچه‌ها به سر کلاس درس است و دیگری جشن روز ۱۶ مهر روز کودک. پس، امروز در انجمن یک روز خاص است. تمام بچه‌های انجمن منتظر هستند تا جشن بی نظیرشان شروع شود. قرار بود تمام بچه‌ها ساعت ۸ صبح در انجمن باشند مثل همیشه سر وقت و تمام بچه‌های دروازه غار به انجمن آمده بودند تا روزی که حتی بعضی از آنان معنی این روز را هم نمی دانند شرکت کنند. آن روز انجمن شکل دیگری پیدا کرده بود حیاط اش پر از غنچه‌هایی شده بود که تازه شکوفا شده بودند. جشن شروع شد آقای مجری که خودم هستم رفتم روی سن و شروع به صحبت کردم. وقتی رفتم تا اولین سخنم را در جایی که اولین بار به عنوان مجری رفته بودم بزنم اولش دست و پایم می لرزید ولی بعد از چند ثانیه با بچه‌ها رفیق شدم و دیگر هیچ‌گونه استرسی به من دست نداد برای بچه‌ها از برنامه‌هایی که قرار بود برای آن‌ها اجرا شود حرف زدم اولین برنامه موسیقی بچه‌ها بود گروه موسیقی که تعدادی از خود بچه‌های انجمن را تشکیل می داد چند سالی هست که این گروه تشکیل شده و دلیل همواره مستمر بودن این گروه سعی و تلاش خود بچه‌ها و پشتیبانی بی دریغ مسوولان انجمن هست. این گروه مربی‌های متعددی در این سال‌ها داشته که در حال حاضر آقای "سعادت" مربی بچه‌ها هستند. آقای سعادت شروع به نواختن کرد و بچه‌ها شروع کردند به خواندن آواز که با تشویق و



وقتی رفتم تا اولین سخنم را در جایی که اولین بار به عنوان مجری رفته بودم بزنم اولش دست و پایم می لرزید ولی بعد از چند ثانیه با بچه‌ها رفیق شدم و دیگر هیچ‌گونه استرسی به من دست نداد.

استقبال خوب بچه ها رو برو شد. بعد از آن گروه نمایش "بومرنگ" که از طرف شرکت بومرنگ آمده بود نمایشی را برای بچه ها اجرا کرد در مورد صرفه جویی آب بود جا دارد تشکر ویژه ای از این گروه نمایشی بکنم. بعد از آن نیز جناب آقای "توسکی" آمدند و سخنانی در مورد صلح برای بچه ها گفتند. بچه ها همواره با دست زدن و هورا کشیدن فضای انجمن را گرم و گرم تر می کردند.

من که مجری بودم برای بچه ها از مسابقه حرف زدیم. و از این که می خواستیم یک مسابقه ی هیجان انگیز برای آنان اجرا کنیم سخن گفتم. همه دست های شان بالا بود. این بچه ها با این که به مدرسه نرفته اند ولی آداب آن جا را خیلی خوب بلدند بعضی ها نمی دانستند برای چه بقیه دست شان را بالا گرفته اند ولی فکر می کردند اگر دست شان بالا باشد بیشتر به چشم می آیند. حیاط این قدر شلوغ بود که نمی دانستم کدام شان را انتخاب کنم. اگر اون رو انتخاب می کردم اون یکی ناراحت می شه خلاصه با کمک یکی از مسوولان چند نفری را انتخاب کرده و مسابقه را شروع کردیم. مسابقه ی این که هر کسی زودتر یک کاسه ماست را بخورد اون برنده به حساب می آمد. بعد از آن مسابقه، مسابقه ی حمل تخم مرغ را انتخاب کردیم. هر کسی باید با قاشقی که به دهان داشت یک تخم مرغ را از یک طرف به طرف دیگر حمل می کرد. این مسابقه برای بچه ها خیلی هیجان داشت و خیلی دوست داشتنی بود.

بعد از مسابقه برنده ها را اعلام کردیم و بچه ها برای آنان دست زدند بعد از مسابقه من خیلی خوشحال شدم چون دیدم دو تن از نوازندگان افغانی که به طور افتخاری آمده بودند برای بچه ها خواندن و نواختند بچه ها خیلی خوشحال بودند. به من هم خوش گذشت. امروز ۴۲۰ کودک در این جشن شرکت داشتند. جشن به پایان رسید. ولی من مطمئنم که لبخندهای این بچه ها تمام شدنی نیست هرگز.



همه آمده بودند
تا از جان و دل برای خودشان و
دوستان شان و انجمنی کمک کنند
تا در هر چه بهتر شد جشنی که
فردا یعنی ۱۶ مهر، روز کودک بود
سهیم باشند.

بیانیه‌ی روز کودک - مهر ۱۳۸۷

کودکان عضو انجمن حمایت از کودکان کار

روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۸۷، روز کودک را به تمام کودکان جهان تبریک می‌گوییم.
زندگی کردن را در لابه‌لای شادی‌های شما دوست داریم.
ما کودکان دوست داریم به حقوق ما احترام بگذارند.
ما کودکان کار دوست داریم در روز جهانی کودک در کنار دیگر دوستان مان باشیم نه در کوچه
و خیابان!
ما کودکان در این سنین به یاری شما عزیزان نیازمندیم.
ما کودکان در میان کار سخت و غم‌هایمان گم شدیم ما را دریابید.
زندگی کودکانه‌ی ما را به ما بازگردانید.
زندگی را دوست داریم با امید و شادی نه با کار و سختی.



تحقق حقوق کودکان دست یافتنی است

بیانیه‌ی انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت هفته‌ی کودک - مهر ۱۳۸۷

امسال نیز در حالی به استقبال روز کودک می‌رویم که هم چنان میلیون‌ها کودک در سراسر جهان در شرایط سخت و غیرانسانی به سر می‌برند. گزارش‌ها حاکی از استمرار وضعیت نگران‌کننده‌ی صدها میلیون کودکی است که در چرخه‌ی رنج و فقر، محرومیت و بهره‌کشی گرفتار آمده‌اند. در این میان تلاش‌های صورت گرفته از سوی سازمان‌ها، نهادها و فعالان حوزه‌ی مسایل کودکان در مقایسه با ابعاد فاجعه بسیار ناچیز می‌نماید.

بر اساس آخرین گزارش‌های بین‌المللی، در حال حاضر حدود ۲۲۰ میلیون کودک در جهان به کار مشغولند که از این میان بیش از نیمی از آنان به مشاغل بسیار سخت و زیان‌آور گمارده شده‌اند و در معرض انواع آسیب‌های جسمی، روانی و عاطفی قرار دارند. با وجود شکل‌گیری و تدوین قوانینی که کار کودک را ممنوع اعلام کرده‌اند و علی‌رغم تصویب مقاله‌های بین‌المللی ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان جهانی کار و پیوستن تقریباً تمامی کشورهای به پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، این پدیده‌ی شوم هم‌چنان در حصار از سکوت و بی‌تفاوتی، به حیات خود ادامه می‌دهد. با این همه بر این باوریم که شکل‌گیری جریان‌ها و جنبش‌های جهانی مبارزه علیه کار کودک طی ۱۵۰ سال گذشته، هم‌چنین تدوین و تصویب پیمان‌نامه‌های متعدد در این حوزه، همگی نوید بخش فردایی روشن‌تر برای کودکان جهان است. بویژه آن‌که این جنبش‌ها به همراه خود اخلاق جهانی نوینی به نفع مبارزه برای از میان بردن این پدیده‌ی شوم پایه‌ریزی و ترویج نموده‌اند و علی‌رغم سکوت و بی‌تفاوتی بسیاری نسبت به این مسأله، امروزه شاهد اجماعی عمومی در میان گروه‌ها و جوامع مختلف بر سر اصولی هم‌چون مذموم بودن کار کودک و ضرورت آموزش همگانی رایگان هستیم.

بر اساس گزارش سازمان جهانی کار، بدنبال تلاش‌های صورت گرفته، تعداد کودکان کار جهان طی سال‌های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۰ میلادی به میزان ۱۱ درصد کاهش یافته است. این امر بویژه در میان کودکان شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور با کاهشی برابر ۲۶ درصد بسیار چشمگیر بوده است. حال پرسش اساسی این است که این دستاورد چگونه حاصل شده است؟ بدون شک این فرآیند خودبخودی نبوده است. تغییر در رویکرد جهانی نسبت به کار کودک که تا اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی با "بی‌تفاوتی" و "انکار" همراه بود، به نگرشی که منجر به تصویب و پذیرش گسترده‌ی پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ و در پی آن شکل‌گیری برنامه‌ی جهانی برای حذف کار کودک در سال ۱۹۹۲ و تصویب مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۹ شد، نتیجه‌ی تلاش‌ها و ابتکارات ارزشمند فعالان حقوق کودک و بسیج اراده‌ی سیاسی و عمل اجتماعی در تمامی سطوح بوده است. از این روست که باور داریم امروزه دیگر آرمان محو کار کودک و "تحقق حقوق انسانی" آنان رویایی دست‌نیافتنی محسوب نمی‌شود.

ما معتقدیم از میان بردن پدیده‌ی چند وجهی کار کودک مستلزم برنامه‌ریزی و اقدام برای ریشه‌کنی فقر، فراهم آوردن آموزش همگانی و تقویت نظام‌های حمایتی و تأمین اجتماعی است. همان‌گونه که مسأله‌ی کار کودک به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با معضل فقر در جوامع در هم تنیده شده است، مبارزه‌ی موثر برای شکستن این دور و محو کار کودک جز با تحقق آموزش همگانی و رایگان به عنوان ابزاری استراتژیک در کاهش آسیب‌های ناشی از فقر و محرومیت ممکن نخواهد بود.

ما خواهان آنیم که تلاش برای پایان دادن به کار کودکان و تحقق حقوق انسانی آنان در مرکز تمامی برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد و باور داریم که تحقق این مهم در جامعه تنها با نظارت و مداخله‌ی موثر نهادی قدرتمند که منحصرأ پاسداری از حقوق کودکان را در دستور کار خود داشته باشد، ممکن خواهد بود. چنان‌که تجربه‌ی دیگر کشورها نیز، تأثیر و اهمیت این گونه نهادها در حمایت موثر از کودکان و بهبود شرایط آنان را تأیید می‌کند. باور داریم شکل‌گیری چنین نهادی مسوول و پاسخگو که بر حسن اجرای مفاد پیمان‌نامه‌های بین‌المللی و قوانین داخلی در حمایت از حقوق کودکان و نیز بر پایبندی سازمان‌ها و نهادهای مختلف به رعایت حقوق و منافع عالی کودکان نظارت داشته باشد، موثرترین راه در پیگیری و حصول نتیجه به نفع کودکان است.

در پایان انجمن حمایت از کودکان کار بار دیگر همبستگی خود را با تمامی کودکان جهان بویژه آنانی که روزهای کودکی‌شان زیر تازیانه‌ی فقر، جنگ، کار سخت، آوارگی و بهره‌کشی به تاراج رفته است، اعلام می‌کند و تلاش تمامی انسان‌های آزاده‌ای که در راه تحقق حقوق پایمال شده‌ی این کودکان و پی‌ریزی دنیایی بهتر برای همه‌ی انسان‌ها پایداری نموده‌اند را ارج می‌نهد.

در پایان انجمن حمایت از کودکان کار بار دیگر همبستگی خود را با تمامی کودکان جهان بویژه آنانی که روزهای کودکی‌شان زیر تازیانه‌ی فقر، جنگ، کار سخت، آوارگی و بهره‌کشی به تاراج رفته است.

اقدامات انجام شده در بخش مددکاری - فروردین تا آبان ماه ۱۳۸۷

۱. فعالیت کارورزان

دانشجویان رشته‌ی مددکاری اجتماعی در دوران تحصیل خود واحدی به عنوان کارورزی دارند. منظور از کارورزی در واقع استفاده از کلیه‌ی معلومات و اطلاعاتی است که در طول تحصیل خود به صورت تئوری به آن‌ها دست یافته‌اند و می‌بایست این مطالب را به صورت عملی نیز مورد آزمایش و تمرین قرار دهند. یکی از مراکزی که سرپرستان دانشجویان برای این تمرین در نظر می‌گیرند انجمن حمایت از کودکان کار است. به همین منظور بخش مددکاری با همکاری سایر بخش‌ها تلاش می‌کند تا فضایی مناسب را برای این تمرین در اختیار دانشجویان قرار دهد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد واحد رودهن، دانشگاه تربیت معلم کرج و دانشگاه شاهد از جمله دانشگاه‌هایی هستند که دانشجویان خود را به انجمن معرفی کرده‌اند. از فروردین ماه تا آبان ماه ۸۷ تعداد ۱۲ نفر دانشجو مشغول فعالیت در بخش مددکاری هستند. با تشکر سپاس فراوان از همگی دانشجویان و اساتید آنان.

۲. ارتباط با کلانتری ۱۱۶ مولوی

در ادامه‌ی همکاری‌های بسیار خوب کلانتری ۱۱۶ مولوی، تعداد ۴ نفر از مددجویان تحت پوشش انجمن، توانستند شناسنامه‌های شان را عکس‌دار کنند. با توجه به این که جهت عکس‌دار کردن شناسنامه، این کودکان نیاز به ضامن داشتند، کلانتری ۱۱۶ مولوی نیز با قبول ضمانت انجمن و تأیید عکس آنان، کمک شایانی به این مددجویان کردند.

۳. اقدام جهت ثبت نام دو کودک در مدارس دولتی

- کودک ۷ ساله‌ای که مدیریت مدرسه از ثبت نام وی امتناع می‌کرد، با تلاش مادر وی و بخش مددکاری توانست سرکلاس درس بنشیند. یکی از دلایلی که معمولاً باعث می‌شود تا کودک را در مدرسه ثبت نام نکنند، بی‌توجهی والدین کودک به تکالیف و به طور کلی اوضاع کودک در مدرسه است. خوشبختانه این کودک با پیگیری مداوم و موثر مادرش و مراجعات مکرر به آموزش و پرورش، صحبت با آنان و انجام اقدامات لازم در مدرسه ثبت نام شد.

- کودک ۱۴ ساله که مدیر مدرسه به دلایلی او را در مدرسه ثبت نام نمی‌کرد با پیگیری بخش مددکاری و همین‌طور مادر وی، در پی درخواست تشکیل کمیسیون در آموزش و پرورش توانست پشت نیمکت‌های کلاس باز گردد.

۴. پیگیری موارد خاص

- پسر ۶ ساله‌ای که دارای والدینی بدسرپرست بود و در شرایطی بسیار بد و نامناسب زندگی می‌کرد و در ضمن پدرش نیز در حضور کودکان خود اقدام به مصرف مواد مخدر می‌کرد با اقدام به موقع بخش مددکاری و با طی مراحل قانونی به یکی از مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی سپرده شد.

- دختر ۲۰ ساله‌ای که در پی ازدواجی ناموفق از خانه‌ی پدری‌اش گریخته بود، در مکانی مناسب اسکان داده شد، در ضمن پس از یافتن مکانی مناسب و امن برای گذراندن شب در آن جابری آن شدیم تا اوقات فراغت او را نیز پر کنیم. به همین منظور با معرفی ایشان به یکی از مراکزی که با آن‌ها در ارتباط بودیم، توانستیم او را در کلاس زبان و کامپیوتر ثبت نام کنیم.

۵. تشکیل پرونده‌ی بهداشتی برای کلیه‌ی کودکان انجمن و آموزش نحوه‌ی صحیح استفاده از مسواک به آنان

سرکار خانم‌ها "احدی"، "باقرزاده"، "ارشادی" و جناب آقای "دکتر ارشادی"، پیشنهادی مبنی بر تشکیل پرونده‌ی بهداشتی برای کودکان، را ارایه نمودند. با توجه به این که وجود چنین پرونده‌ای برای کودکان بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسید، با پیشنهاد آنان موافقت شد. این اعضای داوطلب مسوولیت این کار را بر عهده گرفتند و در نهایت صمیمیت و صبر توانستند برای کلیه‌ی کودکان پرونده تشکیل دهند. پس از تشکیل پرونده، این تیم، آموزش نحوه‌ی

**کودک ۷ ساله‌ای که مدیریت
مدرسه از ثبت نام وی امتناع
می‌کرد، با تلاش مادر وی و بخش
مددکاری توانست سرکلاس
درس بنشیند.**



مسواک زدند را نیز آغاز نمودند. در ضمن با همکاری جناب آقای "محمودی" مسواک و خمیردندان بین کلیه‌ی کودکان توزیع شد. با تشکر و قدردانی از همکاری کلیه‌ی عزیزان.

۶. اقدام جهت درمان و تأمین هزینه‌ی جراحی و بستری در بیمارستان برای کودکان - کودک ۶ ساله که به علت عفونت ادراری در بیمارستان اشرافی اصفهانی بستری شد. مبلغ ۵۲ هزار تومان از هزینه‌ی بیمارستان را عضو داوطلب سرکار "خانم بیات" پرداخت نمودند. - کودک ۱۴ ساله که به علت حمله‌ی صرع در بیمارستان سینا بستری شد. مبلغ ۱۰۰ هزار تومان را انجمن پرداخت نمود.

- کودک ۷ ساله که به علت جراحی انگشت شصت دست در بیمارستان حضرت رسول بستری شد. مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از هزینه‌ی بیمارستان را انجمن و مابقی را جناب آقای "دکتر نوروزی" پرداخت نمودند.

- کودک ۱۲ ساله که به علت ترشح چرکی گوش راست در بیمارستان امیراعلم بستری شد و تحت عمل قرار گرفت و مبلغ ۴۲۰ هزار تومان را انجمن پرداخت نمود.

- مادر یکی از مددجویان در بیمارستان شهید اکبر آبادی جهت جراحی زنان بستری شدند که کلیه‌ی هزینه‌ی آن را ۱۹۴/۸۰۰ تومان را انجمن پرداخت نمود.

- مادر یکی از مددجویان به علت ابتلا به سل در بیمارستان امیرالمومنین بستری شد که کلیه‌ی هزینه‌ی آن را انجمن پرداخت نمود.

- با همکاری صمیمانه‌ی اتحادیه‌ی عینک سازان، ۱۴ نفر از مددجویان توانستند به طور رایگان عینک دریافت کنند.

- جناب آقای دکتر "جهانگیری" روزهای سه‌شنبه در انجمن حضور می‌یابند و بیماران را ویزیت می‌نمایند. با تشکر فراوان از ایشان و صبر و حوصله‌ای فراوانشان.

- جناب آقای "قوامی" عضو داوطلب انجمن طی صحبت‌هایی که با دانشکده‌ی دندان پزشکی دانشگاه تهران داشتند، توانستند امکان استفاده از خدمات دندان پزشکی را برای کودکان زیر ۱۲ سال به طور رایگان فراهم نمایند. با تشکر فراوان از این عزیزان.



مادر یکی از مددجویان به علت ابتلا به سل در بیمارستان امیرالمومنین بستری شد که کلیه‌ی هزینه‌ی آن را انجمن پرداخت نمود.

یک روز با بخش مددکاری

مژگان ترابیان

پشت در اتاق عمل راه می رفت. قدم هایش با تیک تیک ساعت هماهنگ شده بود. داشت فکر می کرد. شاید فکر کنید، به این می اندیشد بچه اش دختر است یا پسر، سالم است یا نه؟! قطره های اشک از چشم هایش مثل باران پایین می آمد.

او یک مادر نگران و چشم انتظار است. به این فکر می کند که یعنی می شود دوباره چشم های زیبای دخترش دنیا را ببیند؟

او مادری است که از شب گذشته کارش فقط گریه کردن بوده و بس. نگران است که می تواند هزینه ی عمل را پرداخت کند یا نه؟ شاید اگر من و تو یا خیلی از ما بودیم این نگرانی را نداشتیم و به قول معروف "جیرینگی" پول را پرداخت می کردیم. اما او نگران و منتظر است تا دخترش را از اتاق عمل بیرون بیاورند

یک ساعت گذشت اما نیامد. به محض این که در باز می شود، خودش را جلوی در می رساند و می پرسد: چی شد؟

اما باز دوباره بر می گردد. با تمام نگرانش از یک چیز مطمئن است، آن هم خداست. همان خدایی که یک بار دخترش را به او داده باید دوباره برمی گرداند، آن هم سالم سالم. دو ساعت دیگر هم گذشت، کلافه بود. عرق کرده بود. سه ساعت دیگر هم گذشت. دیگر نمی دانست چه کار باید بکند؟ فقط ورد زبانش خدا بود ...

بالاخره آمد. در اتاق عمل باز شد دخترش را دید که با آن جثه ی کوچکش روی تخت دراز کشیده، بیهوش بود.

آن قدر معصوم خوابیده بود که ناخودآگاه هر کس می دیدش گریه اش می گرفت. او را به بخش منتقل و بستری اش کردند.

- چی شد؟ چی شد؟

- نگران نباش. فعلاً خطر رفع شده. نوک مداد آسیب جدی نزده. اما باید منتظر باشیم. فعلاً برو دستاشو بگیر. به گرمای دستات احتیاج داره. می خواد بفهمه که کنارش هستی. آخه تا قبل از اینکه بیهوش بشه همه اش می گفت: مامان، مامان.

دکترش را می بیند. سؤال پیچش می کند.

- دوباره دخترم می تونه ببینه؟ می خواد درس بخونه، کتاب بخونه.

- باید چند ساعت صبر کنی تا به هوش بیاد. سعی کن آرومش کنی. ایشالاً که خیره. نگران نباش. با اینکه خیلی سخت بود اما تحمل کرد. بعد از سه ساعت به هوش آمد. بی قرار بود. او هم نگران بود. می خواست بداند که چه وقت دوباره می تواند سر کلاس برود. دکتر معاینه اش کرد. الحمدلله خوب بود. خدا رو شکر.

اما باید منتظر باشیم تا دوباره ویزیت شود. باز هم با تمام سختی این سه روز را هم تحمل کرد. تا بالاخره دکتر اجازه ی مرخصی داد. حالا دیگر نگران هزینه ی بیمارستان است.



یک ساعت گذشت اما نیامد. به محض این که در باز می شود، خودش را جلوی در می رساند و می پرسد: چی شد؟

مرداد ماه ۱۳۸۶ الی اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

همراه با صدای پای بچه ها که با شور و شوق خود دنیای تازه ای را به همه نشان می دهند. کودکی و نوجوانی را همه ی ما با رویاهای تازه، با نگاهی رنگی به آینده ای پر از امید تجربه کردیم. این امید و نگاه نمی شود مگر با کمک من و تو که از آن ها حمایت کرده و برایشان دنیایی پر از امنیت درست کنیم، باشد که دست یکدیگر را به مهر بگیریم و همراه هم باشیم.

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرح نو در اندازیم

رفتن به کتابخانه و گذاشتن وقت بیشتر، تجربه ی جدیدی برای من و بچه ها بود که بتوانیم در کنار هم، همدیگر را بشناسیم و راهنمای هم باشیم. وقتی در کتابخانه را باز می کنم، اول تعداد کمی از بچه ها می آیند و بعد به ترتیب تعدادشان زیاد می شود. با حضور خود و خواستن کتاب، حال و هوای کتابخانه را عوض می کنند. وقتی می آیند شور و شوقی پیدا می شود، با آن ها یکی می شوم و آن ها با من و همه یک تن می شویم.

"...کارمانیست شناسایی راز گل سرخ/ کار ما/ شاید این باشد/ که در افسون گل سرخ/ شناور باشیم..." زمانی که محمدرضا و افسانه، خواهر و برادری که مشتاق داستان های شاهنامه بودند و یک روز در میان، کتاب ها را می بردند، به این فکر افتادم این کتاب بزرگ و نامی را به بچه های دیگر معرفی کنم.

برنامه ریزی کردم و یک روز در هفته را به شاهنامه خوانی اختصاص دادم. وقتی شروع به خواندن کردم، بچه ها با ناباوری داستان را گوش می دادند و با نگاه تیز و چشمان هوشیار ساکت می نشستند و چه مشتاق گوش می دادند. خود را جای رستم داستان یا گرد آفرید زیبا می گذاشتند و داستان، آن ها را به دنیای خیال می برد.

حالا تعداد بچه هایی که داستان شاهنامه را می خوانند، زیاد شده، خودشان کتاب را انتخاب می کنند، رخش رخشان، نبرد رستم و اکوان دیو و... و چه زیباست ستایش خداوند از زبان فردوسی بزرگ: جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چه ای هر چه هستی تویی

شناخت اثرهای بزرگی چون شاهنامه، مثنوی، گلستان و... با توجه به سنگین بودن مطالب آن وقتی به زبان گفتاری امروز به گوش می رسد دل ها را به سوی خود می کشد و برای جوانی که آشنا به متون گذشته نیست دلنشین و آشنا می شود و جوان وقتی پیام داستان را گرفت، راهنمای او به سوی معرفت و خودشناسی می شود.

وقتی سازمان یا فرهنگسرای مسابقه ای برای کودک و نوجوان ترتیب می دهد بعد از صحبت کردن در مورد موضوع آن می بینم بچه ها با شور و شوقی باور نکردنی، می خواهند در مسابقه شرکت کنند و چه لذتی دارد وقتی می بینم با این که وقت ندارند و کار می کنند، می خواهند در فعالیت هایی غیر از درس و در برنامه های کتابخانه شرکت کنند، وقتی این شور را می بینم دلم می خواهد این دوستان کوچک و مهربانم را به همه معرفی کنم تا همه بدانند.

و در آخر:

وقتی کاری را با عشق شروع می کنیم و با نگاه و حرف مان معنی عشق و دوست داشتن را یاد می دهیم با دوستانی که در این راه بزرگ صادقانه همراه مان هستند، بر این باوریم که دنیایی پر از امید و امنیت و صلح برای همه ی بچه ها درست کنیم. یاد شعر حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی می افتم که فرمود:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

مژگان دوست الهی

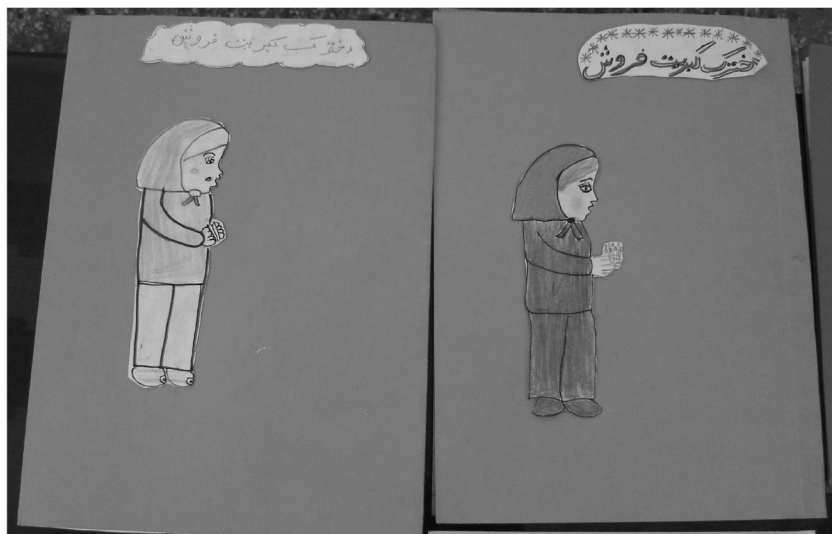
اردیبهشت ماه الی آبان ماه ۱۳۸۷

در کتابخانه را که باز می کنم قبل از خودم بچه ها می روند و داخل می شوند. به نام خدا ی هر روز را هم خودشان می گویند و روی صندلی ها می نشینند. کتاب ها هنوز ساکتند. از دیروز که رهایشان کردیم، همین طور آرام سر جایشان در طبقات به انتظار نشسته اند تا صبح شود و مشتری هایشان بیایند. هنوز هم آرامند، با همه ی تلاطم درونشان. به بچه ها می گویم همین طور که نشسته اید لب های کتاب را باز کنید تا حرف هایش را بشنوید. به حرف می خندند

رفتن به کتابخانه و گذاشتن وقت بیشتر، تجربه ی جدیدی برای من و بچه ها بود که بتوانیم در کنار هم، همدیگر را بشناسیم و راهنمای هم باشیم.

و داد می‌زنند: "خانوم می‌شه این کتابو برامون بخونی؟..." کتاب‌ها همین‌طور ساکت نشسته‌اند. هزار حرف ناگفته دارند که با بچه‌ها بزنند. با کودکان کار. دلشان می‌خواهد راه و رسم زندگی را بیاموزند به کسانی که با شوق به سمت‌شان می‌شتابند. کتاب‌ها همه خوبند، داستان‌های زیبایی هر گوشه‌ی دنیا را در دل دارند، با تصویرهای قشنگ و رنگارنگ. فقط یک چیز کم دارند. آن هم این که از داستان کار و خیابان زیاد خبر ندارند. کتاب‌ها تمام شوق بچه‌ها برای دیدن منظره‌های جدید را پاسخ می‌دهند ولی تصویری از زندگی خود بچه‌ها ندارند. هرچند، خیالی نیست. این کمبود کوچک کتاب‌ها در برابر زیبایی رویایی دنیای رنگارنگ‌شان کوچک است. اما وقتی یاد این می‌افتم که در کودکی هیچ وقت از شنیدن داستان دخترک کبریت فروش خوشحال نشدم، به این می‌اندیشم که چگونه کودکان کار همیشه با قهرمان همین یک داستان همدردند و هم‌چنان می‌خندند: "خانوم این کتابو برامون می‌خونی؟..."

شروع کارم در انجمن حمایت از کودکان کار از اوایل اردیبهشت ماه و در بخش کتابخانه بود. همان‌طور که همه می‌دانیم، برای شروع و ادامه‌ی کار برای کودکان، شناخت آن‌ها اولین گام است. برای این منظور، من از تجربیات دوستان زیادی استفاده کردم که سپاسگذار همه‌ی آن‌ها هستم. من آموختم که کلید قفل در ارتباط با کودکان کار دوست داشتن بی‌قید و شرط آن‌ها، بدون در نظر گرفتن ملیت و شرایط ظاهری‌شان است. من از تک‌تک کسانی که با عشق برای این طیف از بچه‌ها کار می‌کنند یاد گرفتم که چگونه چشم‌ها را باید شست؟ و چگونه جور دیگر باید دید... اصولاً کتابداران مهم‌ترین دغدغه‌ای که دارند، جذب مخاطب است و ایجاد علاقه به مطالعه، سپس هدایت این علاقه. خوشبختانه قبل از حضور من در کتابخانه، توسط دوستان دیگر جایگاه مطلوبی برای کتاب و کتابخوانی در ذهن بچه‌های انجمن ایجاد شده بود. ما در کتابخانه باید علاوه بر امانت کتاب به اعضا، اطلاعات مختلف را در قالبی جذاب در اختیارشان قرار دهیم. فقط



در همین صورت است که می‌توانیم در عین اینکه نقش دایرةالمعارف بودن کتابخانه را حفظ می‌کنیم، تصویری زیبا از این محیط برای بچه‌ها بسازیم. بدین ترتیب فعالیت‌های کتابخانه به سه دسته تقسیم می‌شود: یک دسته از کارهای ما شامل تهیه، نگهداری، حفظ نظم کتاب‌ها، قفسه‌ها و اجرای فرآیند امانت آن‌هاست. دسته‌ی دوم، خدمات عمومی، فعالیت‌های آموزشی و تفریحی را شامل می‌شود (مثل کلاس‌ها، کارگاه‌ها و مسابقات مختلف). وظیفه‌ی دیگر کتابخانه و کتابدار، پیدا کردن جواب سوالات علمی، اجتماعی و ادبی اعضا از لابلای فرهنگ‌ها و دیگر کتاب‌ها، هم‌چنین ایفای نقش مشاوره‌ای برای آن‌هاست. مسلماً مثل اغلب کتابخانه‌ها مرز مشخصی بین وظایف کتابخانه وجود ندارد و با توجه به استقبال پر از شوق بچه‌ها، نیاز به کمک و همراهی داوطلبان همیشه احساس می‌شود. مثل همیشه در این مدت نیز حضور موثر داوطلبان کتابخانه موجب شادی بچه‌ها و دلگرمی ما بوده و هست. کسانی که در هر سن و سال و با هر توانایی که دارند، تنها سوال‌شان این است: "چه کار می‌توانیم برای بچه‌ها بکنیم؟" به رسم سپاس، نهایت قدر دانی‌ام را تقدیم این عزیزان می‌کنم و به نام، از تک‌تکشان تشکر می‌کنم: سرکار خانم‌ها: "تیموریان"، "مداح"، "بسطام‌خانی"، "رضایی"، "رسولی"، "رحمانیان"، "حیدری"، "ژوبرت"، "علوی"، "صابر"، "قادرپور"، "پورخامنه"، "عاطفی"، "فروردین"، "صادقی" و آقایان: "روشن"، "قوامی"، "حسینی".

آموختم که

کلید قفل در ارتباط با کودکان کار
دوست داشتن بی‌قید و شرط
آن‌ها، بدون در نظر گرفتن ملیت و
شرایط ظاهری‌شان است.

برنامه‌هایی که هر روز و به تناسب موقعیت و تعداد بچه‌ها در کتابخانه اجرا می‌شوند علاوه بر امانت کتاب، عبارت‌اند از: نقاشی، حفظ شعر و سرود، بازی (بازی‌های بی‌صدا در کتابخانه و فعالیت‌های پر سر و صدا در حیاط انجام می‌گیرد)، قصه‌گویی، حل مسایل درسی و گاهی کار دستی. حضور در این نوع فعالیت‌ها برای همه‌ی بچه‌ها آزاد است و ثبت‌نام و محدودیت ندارد، که همین موضوع باعث می‌شود بچه‌هایی که حضورشان در انجمن نامنظم است و برنامه‌ی خاصی در انجمن ندارند به کتابخانه بیایند و از امکاناتش استفاده کنند. حسن آموزش موارد مختلف در کتابخانه، به ارتباط مستقیم ما با بچه‌هاست. ما در ضمن این آموزش‌ها، آداب اجتماعی و چگونگی تعامل با همسالان و بزرگترها و... را نیز به بچه‌ها می‌آموزیم، به درد دل‌هایشان گوش می‌دهیم و اشتباهات‌شان را با ملایمت به آن‌ها گوشزد می‌کنیم. ضمن این‌که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنیم، خیلی از کارهایی که بچه‌ها انجام می‌دهند و عامه‌ی آن‌ها را شیطنت و اذیت معنای‌کنند، تنها راه آن‌هاست برای جلب توجه و محبت دیگران! که اگر مدیریت درستی نسبت به این رفتارها صورت گیرد، نه تنها کارهای‌شان بر ایمان‌آزاد دهنده نیست، بلکه شیرینی خلاقیت‌ها و طی مراحل رشد کودکان، مایه‌ی دلگرمی‌مان می‌شود. با مهربانی و جدیت می‌توانیم انجمن و کتابخانه را محلی گرم و امن برای رفع نیازهای مختلف روحی کودکان بسازیم.

از جمله کارهایی که برای تشویق به مطالعه انجام می‌شود، اجرای مسابقات است. به این صورت که علاوه بر اهدای جایزه به کسانی که بیشتر کتاب خوانده‌اند، به مناسبت‌های مختلف مثل روز معلم، روز مادر و... مسابقه‌ی انشا نویسی برگزار می‌شود و بهترین‌ها تشویق می‌شوند. مسابقه‌ی فرهنگ‌نامه نیز به منظور آشنایی با طرز کار با فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، طراحی و اجرا شد. به این صورت که بچه‌ها باید محل اطلاعات در مورد کلماتی که به آن‌ها داده شده بود را در فرهنگنامه پیدا می‌کردند.



کلاس‌های هفتگی کتابخانه در این دوره از قرار زیر است:
کلاس بافتنی: این کلاس به همت سرکار خانم "دوست الهی" و به منظور پیشرفت دخترهای بزرگ در کارهای سلیقه‌ای و رفع نیازهای روزمره‌شان برگزار می‌شد و تا اواخر خرداد ادامه داشت. بعد از اتمام این کلاس، هنرآموزان کارهای‌شان را در خانه انجام می‌دهند و اشکالات‌شان را در انجمن از خانم "دوست الهی" می‌پرسند.

کلاس خط تحریری: از آن‌جا که معمولاً دانش‌آموزان، اگر استعداد ذاتی خط نداشته باشند و آموزشی هم نینند دستخط خوبی ندارند و خط‌شان با خط معیار فاصله‌ی زیادی دارد، بر آن شدم که برای ارایه‌ی این آموزش تعدادی از دانش‌آموزان (گروه سنی د) را ثبت‌نام کنم. این کلاس از اواخر اردیبهشت هر هفته در کتابخانه برگزار شد و دانش‌آموزان بعد از نوسان اولیه‌ی ثبت‌نام حدود ده نفر بودند. از اوایل تیر ماه آقای "قوامی" به عنوان معلم دیگر این کلاس به ما ملحق شدند و تعداد دانش‌آموزان را نیز به دو برابر رساندیم. شیوه‌ی آموزش خط در این کلاس سر مشق دادن و رفع اشکال است و هم‌چنان در کتابخانه برگزار می‌شود.

کلاس کار دستی، انشا و رنگ آمیزی: این کلاس به منظور پرورش استعداد نویسندگی بچه‌ها و هم‌چنین سرگرمی آن‌ها هر سه‌شنبه با حضور خانم "ژوبرت" برگزار می‌شد. به این ترتیب که نقاشی‌های بی‌رنگ به بچه‌ها داده می‌شد تا رنگ آمیزی کنند و در موردش داستان نیز

موضوع بحث‌ها دغدغه‌های خود نوجوانان است و در پایان هر جلسه موضوع جلسه‌ی بعد مشخص می‌شود. ضمن این‌که در صحبت‌ها و تعیین موضوع، از کتاب "دفترچه‌ی خاطرات"، نیز استفاده می‌شود.



بنویسند. در همین کلاس کاردستی‌های نیمه‌آماده‌ای نیز در اختیار بچه‌ها قرار می‌گرفت تا با تازدن و قیچی کاملش کنند. این کلاس نیز محدودیت ثبت نام نداشت و تمام حاضران در کتابخانه می‌توانستند در آن شرکت کنند. ما در تزئین هفتگی کتابخانه از کارهای بچه‌ها استفاده می‌کردیم تا علاوه بر زیبایی، بچه‌ها احساس کنند در امور کتابخانه سهیم هستند. مجموعه‌ی این کارهای بچه‌ها به صورت زمانی مرتب شده و در کتابخانه موجود است. این کلاس با سفر خانم ژوبرت متوقف شد و آمادگی این وجود دارد که با حضور اولین داوطلب علاقه‌مند به این کار، ادامه یابد.

جلسه‌ی گفتگو و نشریه: این جلسه، نمونه‌ی واضح و روشن رشد و بلوغ فکری کودکان انجمن است که حالا به نوجوانی رسیده‌اند و جوانی را در پیش رو دارند. دوستانی که هزار سوال و حرف در ذهن‌شان می‌پروراندند که شاید به سختی بتوانند گوش شنوایی برایشان بیابند. در اوایل تیرماه امسال، کتابخانه خواست که مأمنی برای گفتگوهای جدی و دغدغه‌های گوناگون بچه‌ها باشد. طرح این جلسات به پیشنهاد خود بچه‌ها و به سرگروهی سرکار خانم سمیه حکیمی بیان شد و با گذشتن از مراحل اولیه، جایگاه خودش را در بین بچه‌ها و داوطلبان پیدا کرد. از جلسه‌ی دوم جناب آقای روشن نیز به جمع ما آمدند و به طرز دلخواه، بی‌آن که استقلال بچه‌ها نادیده گرفته شود صحبت‌ها را مدیریت کردند. موضوع بحث‌ها دغدغه‌های خود نوجوانان است و در پایان هر جلسه موضوع جلسه‌ی بعد مشخص می‌شود. ضمن این که در صحبت‌ها و تعیین موضوع، از کتاب "دفترچه‌ی خاطرات" نیز استفاده می‌شود. این کتاب نوشته‌ی آتوسا صالحی و "مژگان کلهر" (طرح و تصویر) است که در واقع برای تمرین نویسندگی کودکان و نوجوانان تهیه شده است. ده جلد از این کتاب به صورت اهدا دریافت شد و در اختیار اعضای این جلسه قرار گرفت. بچه‌ها پس از بحث در موارد مختلف هر جلسه، دریافت خودشان را در دفتری می‌نویسند که پس از ویرایش وارد این کتاب‌ها می‌شود. موضوعات این کتاب مسایل مختلف روزمره مثل اطلاعات شخصی، خانه، خانواده و... است. هم‌چنین صحبت در مورد نشریه‌ای که بچه‌ها اقدام به نشر آن کرده‌اند نیز در همین جلسه انجام می‌گیرد و برای هیأت تحریریه (که خود بچه‌ها هستند)، تقسیم مسوولیت صورت می‌گیرد. در انتهای هر جلسه، متناسب با سلیقه‌ی جمع، فعالیت‌های سرگرمی، مثل پانتومیم، مسابقه‌ی کلمات، اجرای موسیقی و... نیز انجام می‌شوند.

در پایان از همه‌ی کسانی در امور مختلف کتابخانه یاری‌مان می‌کنند، سپاسگزارم.
به امید توفیق بیشتر از طرف پروردگار کودکان

فاطمه توده‌کشت

عکس از ایمیل کریمی



ما در تزئین هفتگی کتابخانه از کارهای بچه‌ها استفاده می‌کردیم تا علاوه بر زیبایی، بچه‌ها احساس کنند در امور کتابخانه سهیم هستند.

نقاشی ترافیک

فاطمه توده کشت

صورتش را محکم و مردانه زیر آب می شوید و یک نفس عمیق می کشد. یک مشت آب را با ولع قورت می دهد و نگاهم می کند. یک ساعت است که در کوچه های دروازه غار دنبالش می گردم. وقتی سلام و لیخندش را که می بینم خستگی ام در می رود. کاش خستگی شش ساعته ی کارگاه هم از تن او بیرون رفته باشد. از صبح که دیده بودمش مدام نگران بودم نکند نیاید. خداراشکر. به موقع رسید.

نمی دانم هفت سال را رد کرده یا نه. پیش دبستانی را هفته ی قبل تمام کرده و یکشنبه قرار است کلاس اول برود. صبح ها تولیدی می رود، شب ها خانه بر می گردد. اگر بخواهد انجمن بیاید باید دو سه ساعتی مرخصی بگیرد. ساعت ۳ مراسم شروع می شود و ما هنوز حرکت نکرده ایم. از مولوی تا پارک ترافیک پونک شاید سه ربع راه باشد. یک ربع مانده به سه با شفیق و چهار نفر از دوست هایش سوار پراید مشکی رنگ آژانس حاجی عباسی می شویم و راه می افتیم به یکی از پسر بزرگ ها هم گفته ام کمکم بیاید.

راننده می گوید: "نیم ساعته ما رو اینجا معطل کردید"
می گویم: "بله. منتظر بچه ها بودیم. انتظار شما ساعتی دو و پونصده دیگه؟ نصفش می شه هزار و دویست و پنجاه، به کرایه اضافه کنید"

راننده به صحبتش با آن که پشت خط است ادامه می دهد و من چشمانم را می بندم.
چقدر حیف بود اگر به مراسم اهدای جایزه می رفتیم و برنده ی جایزه را با خودمان نمی بردیم.
نقاشی پسر کوچولو بین این همه نقاشی برنده شده و ما یک ساعت دویده ایم تا مادرش را راضی کنیم پسرش را با ما به جشن بفرستد. حتماً خدا مواظب ما هست و اتفاقی نمی افتد که شرمنده ی خانواده اش شویم.

کودکانه دوید و لوح و تندیسش را گرفت، مثل اینکه با موجودی پنجاه هزار تومان برایش حساب باز کرده اند. نقاشی اش هم در کاتالوگ نقاشی های برنده چاپ شده است. وقتی از آن بالا به طرفم آمد چیزی نگفت، اما نگاه مردانه و شادش آرامم کرد.



گزارش بهداشت، درمان و تغذیه

فرکل صادقی

بخش بهداشت، درمان و تغذیه، یکی دیگر از حوزه‌های فعالیتی انجمن است که با ورود لیلا (اولین کودکی که در زمستان سال ۱۳۸۱ به انجمن قدم گذاشت)، فعالیت‌های خود را آغاز نمود و با گذشت زمان و در مسیر پر فراز و نشیب خود توانسته در کنار کاستی‌های خود خدمات ارزشمندی را نیز به کودکان انجمن ارائه نماید. که می‌توان به مواردی مانند واکسیناسیون کودکان، برگزاری دوره‌های بهداشت فردی، شنوایی‌سنجی و ... اشاره نمود.

دوره‌ی جدید فعالیت‌های بخش بهداشت انجمن حمایت از کودکان کار از مردادماه ۱۳۸۷ با حضور دو تن از داوطلبان به طور مستقل کار خود را شروع کرد. البته از ابتدای تأسیس انجمن، فعالیت‌هایی در زمینه‌ی خدمات پزشکی - درمانی توسط مسوولان انجمن و در ادامه توسط بخش مددکاری صورت گرفته است.

خلاصه‌ی عملکرد این بخش در طی ۳ ماه گذشته به شرح زیر است:

۱. تشکیل پرونده، کنترل رشد برای کودکان کم‌تر از ۸ سال
 ۲. شناسایی تعدادی از کودکان مبتلا به بیماری یا مشکلات خاص و ارجاع آنان به پزشک
 ۳. هماهنگی با بخش دندان، دانشکده‌ی دندانپزشکی دانشگاه تهران و ارجاع بچه‌های زیر ۱۲ سال
 ۴. تهیه‌ی دارو و وسایل پزشکی
 ۵. هماهنگی با پزشک عمومی و حضور ایشان در اتاق بهداشت، هر هفته سه‌شنبه ۱۴ - ۱۲/۳۰
 ۶. هماهنگی با مسوول تبلیغات دهمین کنگره تغذیه‌ی ایران، ۹-۶ آبان ماه، هتل المپیک تهران برای شرکت و اخذ غرفه
 ۷. برگزاری یک دوره‌ی ۳ روزه، کلاس آموزشی - علمی تغذیه‌ی کودکان ۶-۲ ساله و معرفی مواد غذایی و کاربرد آن‌ها همراه با پخت غذا در محل انجمن و توزیع غذا به مادران شرکت‌کننده و بچه‌ها
 ۸. مشاوره بهداشتی و دادن خدمات مربوط به بچه‌ها، خصوصاً دختران
 ۹. شروع توزیع مکمل آهن و مولتی ویتامین به کودکان کم‌تر از ۲ سال
 ۱۰. تغییر نام بخش بهداشت به بخش بهداشت، درمان و تغذیه
- در این مدت کوتاه تلاش‌هایی جهت بهبود وضعیت بهداشتی - تغذیه‌ای درمان کودکان و بچه‌های انجمن و بالا بردن سطح آگاهی مادران آن‌ها صورت گرفته است، امیدواریم در آینده به اهداف مورد نظر دست یابیم.
- جا دارد در همین نوشته از زحمات بی دریغ جناب آقای "بهنام قوامی" کارشناس تغذیه و داوطلب بخش بهداشت، جناب آقای "سید سجاد حسینی" کارشناس تغذیه و داوطلب برای تأمین دارو و وسایل بهداشتی، خانم "مژگان ترابیان" همکار بخش مددکاری و جناب آقای "دکتر جهانگیری" پزشک عمومی که داوطلبانه با انجمن همکاری دارند تشکر نمایم.

عکس از ایمل کریمی



با گذشت زمان و در مسیر پر فراز و نشیب خود توانسته در کنار کاستی‌های خود خدمات ارزشمندی را نیز به کودکان انجمن ارائه نماید.



اقدامات انجام شده در بخش روان‌شناسی - مرداد تا آبان ۱۳۸۷

۱. تشکیل پرونده‌ی روان‌شناسی برای مراجعان این بخش

۲. مشاوره‌های فردی

۳. مشاوره‌های گروهی که شامل کلاس‌های روان‌شناسی نیز است.

۴. مشاوره تحصیلی

۵. مشاوره والدین

۶. دیدار و مذاکره با معلمان و مسوولان سایر بخش‌ها

۷. اجرای آزمون‌های روان‌شناختی

در بخش روان‌شناسی کلاس‌های گروهی به صورت مرتب برای هر گروه، هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود که یکی از مهم‌ترین این کلاس‌ها که در چند ماه اخیر برای اولین بار برگزار شده است کلاس مهارت‌های زندگی است.

این کلاس برای دو گروه سنی نوجوانان و کودکان تشکیل شده است. در گروه کودکان رنج سنی ۷-۹ سال است که تکیه بر اصل حل مسأله، همکاری و رعایت حقوق دیگران است. گروه نوجوانان که بین سن ۱۵-۱۳ سال هستند که مباحث کلاس حول مهارت‌هایی هم چون مقابله با مشکل و مسأله‌ی فقدان پرخاشگری، شکست و کم‌رویی است.

از دیگر برنامه‌های این بخش شناسایی کودکانی است که به علت مشکل هوشی و ذهنی قادر به هماهنگ شدن با سایر بچه‌های کلاس نیستند. این کودکان که مهم‌ترین مشخصه‌ی آن‌ها افت تحصیلی شدید است توسط معلمان و بخش آموزش به بخش روان‌شناسی معرفی می‌شوند و بعد از بررسی و اجرای آزمون در کلاس ویژه که هفته‌ای ۲ روز توسط ۱۲ روان‌شناس اداره می‌شود، آموزش داده می‌شوند.

معلمان این کلاس به صورت داوطلبانه در بخش روان‌شناسی فعالیت می‌کنند و تمرکز آن‌ها بر آموزش مهارت‌های اولیه برای خواندن و نوشتن است. این مفاهیم توسط بازی، نقاشی آرایه می‌شود و از کتاب پرورش توانایی‌های ذهنی و یادگیری و لوح‌های فشرده‌ی آموزشی و سایر تجهیزات کمک آموزشی استفاده می‌شود.

با توجه به این که این کودکان نیازمند آموزش‌های خاص دیگری هستند، تلاش بر این است که با همکاری سازمان آموزش و پرورش استثنایی برای آن‌ها معلم رابط گرفته شود.

بخش پیش دبستانی یکی از بخش‌هایی است که با بخش روان‌شناسی ارتباط مداوم و مرتب دارد. سرکار خانم "دوست الهی" به عنوان کارشناس این مقطع، بچه‌هایی که مشکل رفتاری و یادگیری و یا تحصیلی دارند را معرفی می‌کنند. با توجه به این مشکلات این گروه سنی بیشتر مربوط به خانواده‌ی آن‌ها است. برنامه‌ریزی‌های انجام شده تا تعدادی از مادران توسط خانم دوست الهی معرفی شوند تا برای آن‌ها کلاس روان‌شناسی با مضمون چگونه با کودک خود رفتار کنیم تشکیل شود. مادران نیز برای حل مسایل خود به بخش روان‌شناسی مراجعه می‌کنند. از جمله این که یکی از مادران برای حل مسایل زناشویی به طور مرتب مراجعه کرده است و در حال حاضر با توجه به نتایج مطلوبی که کسب کرده اند تقاضای برگزاری جلسات جدید با موضوع این که چگونه با همسر خود رفتار کنند، کرده است.

از دیگر برنامه‌های عمده‌ی بخش روان‌شناسی فعالیت‌های مربوط به افت تحصیلی بچه‌هاست که این بخش با همکاری بخش آموزش و معلمان در ارتباط است و وضع تحصیلی آن‌ها بررسی می‌شود و در صورت بروز مشکل تحصیلی برای هر کدام از بچه‌ها این بخش به پیگیری مسأله و حل مشکل می‌پردازد از جمله مرضیه که شخصاً به دلیل ضعف تحصیلی به بخش روان‌شناسی مراجعه کرده است به کمک خود مرضیه نحوه‌ی درس خواندن و برنامه‌ی درسی و یا اشکال در نفییدن منظور معلم بررسی شد با توجه به این که مرضیه کلاس خود را عوض کرد وضع تحصیلی او رو به پیشرفت است.

از دیگر موارد افت تحصیلی مراجعه می‌کند به صورت مرتب پیگیری می‌شود.

به جز بچه‌ها و کسانی در انجمن درس می‌خوانند، بخش روان‌شناسی مراجعاتی از بیرون داشته است که توانسته تا حد امکان به حل مسایل مردم محل کمک کند.

بخش روان‌شناسی با مراکز درمانی خارج از محل در ارتباط است و در موارد لازم مراجعان به این مراکز ارجاع داده می‌شوند.

در بخش روان‌شناسی کلاس‌های گروهی به صورت مرتب برای هر گروه، هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود که یکی از مهم‌ترین این کلاس‌ها که در چند ماه اخیر برای اولین بار برگزار شده است کلاس مهارت‌های زندگی است.

سواد عاطفی و کودکان - بخش اول

ترجمه از هدا مبصری

سواد عاطفی در هر مقطعی از زندگی می تواند آموخته شود، اما در کودکی به بهترین شکل پرورش می یابد. "دانیال گلمن" از "پنجره فرصت" صحبت می کند، وی بیان می نماید در طول دوران مذکور یادگیری مهارت های عاطفی بسیار متفاوت از فراگیری آن ها در مقاطع بعدی زندگی است. به طور مثال خواندن در دوران کودکی راحت تر فرا گرفته می شود. این درحالیست که یک فرد بزرگسال بی سواد ممکن است برای یادگیری خواندن دوران بسیار سختی را پشت سر بگذارد. در مورد سایر مهارت ها و توانایی هایی چون بازی های ورزشی، یادگیری زبان های خارجی، موسیقی و همین طور سواد عاطفی نیز چنین چیزی صادق است. در طول این دوران یادگیری، حیاتی است که کودکان با الگو قرار دادن رفتارهای والدین خود، مطالبی را فرامی گیرند و درباره ی طرز برخورد های متنوعی که در طول زندگی به کار خواهند برد تصمیم گیری می کنند. شروع به تصویر سازی از خود به عنوان افراد خوب یا بد، توانمند یا دست و پا چلفتی، خوشحال یا غمگین می کنند. حتی ممکن است خودشان را به صورت شخصیت های فانتزی و خیالی تصور کنند. به طور مثال برخی کودکان خودشان را "سفید برفی" یا یکی از "هفت کوتوله" می دانند. عده ی دیگری خودشان را به صورت "سوپرمن" یا "اسپایدرمن" یا حتی شیطان می بینند. هم چنین آن نوع عادات عاطفی را اتخاذ می کنند که با دیدگاه آن ها نسبت به خودشان تناسب دارد: بد اخلاق، دوست داشتنی، خود دار، کم تحمل، دسیسه چین، پرهیزگار، یا شرور و زمانی که کودکان شیوه ی مشخص رفتاری را در پیش می گیرند، دیگران به آن ها از همان درجه نگاه می کنند و به این ترتیب آن ها بر چسب بد یا خوب، خوشحال یا غمگین، آرام یا پر خاش جو را دریافت می نمایند. کودکان بخش اعظم شیوه ها و سبک های عاطفی خود را از والدین و سایر اطرافیان فرامی گیرند. این گونه عادت ها زمانی که به وسیله ی کودکان به کار گرفته می شوند تبدیل به الگوها و یا نمایشنامه ها (scripts) می شوند، نمایشنامه هایی که زندگی را می سازند و به ما نشان می دهند که زندگی چگونه و به چه شکلی خواهد بود. اگر در جهت تغییر این نمایشنامه ها کاری انجام ندهیم، می توانند تا پایان عمر ادامه یابند:

- کودکی که به طور عادت، ناراحت یا ترسیده، ممکن است در بزرگسالی افسرده شود و به خودکشی بیندیشد.
- کودکی که یاد می گیرد اشک های را فرو بخورد ممکن است سنگ دل شود.
- کودکی که نمی تواند عصبانیت و نحسی خود را کنترل کند ممکن است در بزرگسالی مستعد رفتارهای اعتیاد گونه شود.

راه غلط و راه درست

برای این که مثالی بیاوریم و نشان دهیم که چطور الگوهای عاطفی به وسیله ی والدین بنا نهاده می شوند، بیابید نگاهی به یک مسأله ی خانوادگی معمول که یک "تراژدی کوچک" است بیاندازیم و دو شیوه ی مختلف برخورد والدین با این اتفاق و مدیریت آن ها را مورد نظر قرار دهیم.

ابتدا شیوه ی برخوردی والدینی که از سواد عاطفی برخوردار نیستند

"متیو" یک پسر ۵ ساله درحالی که سعی می کرده چند تا شیرینی بدزدد، از صندلی افتاده، با صدای بلند گریه می کند. نه تنها به خاطر زمین خوردن زانوی او درد گرفته بلکه از دستگیر شدن در حین دستبرد به ظرف شیرینی هم احساس حقارت می کند. دچار عصبانیت و احساس گناه شده و در عین حال ترسیده است. پدرش به آشپزخانه می رسد و متوجه می شود که پسرش مشغول چه کاری بوده است.

پدر با عصبانیت می پرسد: "چی شد؟ خودت را زخمی کردی؟ گریه را تمام کن!"

متیو این برخورد را چطور تفسیر می کند؟ آیا از او انتظار می رود که به احساس درد خود خاتمه بدهد؟ احساس ترس و گنااهش را چه کند؟ آیا باید علی رغم تجربه نمودن چنین احساساتی گریه نکند؟ درحالی که عصبانی است و سر درگم شده بلندتر فریاد می کشد. اگر پدر او از سواد عاطفی کافی برخوردار بود موضوع را رها می کرد. در عوض پدر متیو این اتفاق را فرصتی می بیند تا به او درسی بیاموزد و نکته ای از زندگی را یادآوری کند.

او می گوید: "متیو بس کن، این قدر نوحه نپاش و گریه نکن. تو که از خواهرت بدتری." در این لحظه متیو متوجه این نکته می شود که گریه کردن بد است و این که دخترها می توانند

کودکان بخش اعظم شیوه ها و سبک های عاطفی خود را از والدین و سایر اطرافیان فرامی گیرند. این گونه عادت ها زمانی که به وسیله ی کودکان به کار گرفته می شوند تبدیل به الگوها و یا نمایشنامه ها (scripts) می شوند



گریه کنند اما پسرها نه. سعی می‌کند گریه خود را فرو بخورد اما نمی‌تواند. در حالی که ناامید شده با صدای بلندتر گریه می‌کند.

حالا فکر کنید پدرش ناراحت تر می‌شود و تصمیم می‌گیرد به آموزش خود ادامه دهد. اعلام می‌کند: "متیو، دیگه کافیست! تو عاقل تر از این‌ها هستی. مثل بچه ننه‌ها داری رفتار می‌کنی. حالا بگو روی پیشخوان آشپزخانه چیکار می‌کردی؟"

متیو در مهد کودک از بچه‌های دیگر درباره‌ی بچه ننه‌ها و پسرهایی که مثل دخترها رفتار می‌کنند شنیده بود. در این لحظه تصمیم می‌گیرد به هر قیمتی شده به گریه‌ی خود خاتمه دهد. دندان‌هایش را به هم فشار می‌دهد و ساکت می‌شود. پدرش می‌گوید: "حالا شدی یک پسر خوب"

بسیاری از والدین احساس می‌کنند گریه کردن رفتار مردانه‌ی مناسبی برای پسرها نیست. پسرهایی که یاد می‌گیرند گریه نکنند یا طوری تربیت می‌شوند که گریه نکنند، در بزرگسالی مردانی می‌شوند که از گریه کردن خجالت می‌کشند. وقتی چنین مردی به حدی از ناراحتی برسد که بخواهد گریه کند، با دروغ گفتن درباره‌ی احساسات خود ناراحتی‌اش را مخفی می‌نماید. نهایتاً آن قدر در ناآگاهی و بی‌اطلاعی نسبت به ناراحتی خود به سر خواهد برد که حتی نزد خودش هم انکار خواهد کرد که دچار چنین احساسی است.

هم چنین سایر احساساتی که وی را در برابر دیگران آسیب پذیر می‌نمایند هم چون خجالت یا حسرت را انکار خواهد نمود. در چنین شرایطی فرد مزبور تنها در بین احساسات خود قوی‌ترین آن‌ها را احساساتی چون خشم شدید یا عشق دیوانه‌وار را تشخیص خواهد داد. با دخترها به شکلی متفاوت رفتار می‌شود. وقتی گریه می‌کنند، گریه‌ی آن‌ها دوست‌داشتنی و شیرین یا ترحم برانگیز به حساب می‌آید. تقریباً هیچ وقت کسی دخترها را وادار نمی‌کند به این که حس کنند گریستن رفتار زنانه یا خانم‌واری نیست. این مسأله ممکن است یکی از دلایلی باشد که توضیح می‌دهد چرا زنان عموماً احساساتی‌تر از مردان هستند.

یک رویکرد بهتر

حالا بیایید یک نوع برخورد دیگر نسبت به این اتفاق را مورد نظر قرار دهیم، پاسخی که به لحاظ عاطفی از غنای بیشتری برخوردار است. وقتی پدر متیو وی را می‌بیند که روی زمین آشپزخانه گریه می‌کند، او را بلند می‌کند و می‌گوید: "پسر، ناراحت شدی! خودت را زخمی کردی؟" متیو به جای این که جواب پدر را بدهد، گریه بلندی سر می‌دهد. او به خاطر زمین افتادن درد حس می‌کند و از این که در حال دزدیدن شیرینی دستگیر شده احساس گناه دارد. پدرش در حال پاک کردن اشک‌های پسر می‌گوید: "انگار تو از دست من عصبانی هستی."

متیو می‌گوید: "آره"

پدر می‌گوید: "چرا؟ من دارم سعی می‌کنم به تو کمک کنم، می‌تونم کمرت رو ببوسم؟" متیو را تکان می‌دهد تا پسر کم‌کم آرام می‌شود. "داشتی سعی می‌کردی چندتا شیرینی برداری؟" متیو دوباره گریه را شروع می‌کند.

"احساس گناه می‌کنی؟ از این نگرانی که من عصبانی بشم؟"

متیو جواب نمی‌دهد اما کم‌کم آرام می‌شود. پدر می‌گوید: "خب می‌دونی که من دوست ندارم قبل از غذا زیاد شیرینی بخوری، اما متأسفم که دردت گرفت. دفعه‌ی بعد سعی نکن خودت تنهایی شیرینی برداری، باشه؟"

پدر به جای این که سعی کند جلوی گریه‌ی متیو را بگیرد، به او کمک کرده که وی دلیل ناراحتی خود را بفهمد. هم‌چنان که با درآغوش گرفتن پسرش و بوسیدن وی به او نوازش فیزیکی داده، همدلی خود را نیز نشان داده است. بعد از آرام شدن متیو، پدرش با او درباره‌ی اتفاق پیش آمده، احساس وی و این که چه طور می‌توان در آینده از به وجود آمدن چنین اتفاقات ناگواری پیش‌گیری کرد صحبت خواهد نمود. همین‌طور که متیو بزرگ می‌شود، با چنین برخوردهایی از سوی والدین، خواهد آموخت که احساسات وی ارزشمند هستند و او می‌تواند با اطمینان و در امنیت عواطفش را بیرون بریزد.

بسیاری از والدین احساس می‌کنند گریه کردن رفتار مردانه‌ی مناسبی برای پسرها نیست. پسرهایی که یاد می‌گیرند گریه نکنند یا طوری تربیت می‌شوند که گریه نکنند، در بزرگسالی مردانی می‌شوند که از گریه کردن خجالت می‌کشند.

گزارش آموزش

اقدامات انجام شده در بخش آموزش، از فروردین تا آبان ۱۳۸۷ به شرح زیر است:
فروردین ماه امسال برنامه ریزی کلاس‌های درسی و غیردرسی و همین‌طور کلاس‌های پیش دبستانی به همراه دیگر دوستان فعال در این بخش انجام شد.

پیش دبستانی

"ما نمی‌توانیم کارهای بزرگی را روی کره‌ی خاکی انجام دهیم، ما می‌توانیم کارهای کوچک را با عشقی بزرگ انجام دهیم." / مادر ترزا

اهمیت دادن به مقطع پیش دبستانی قبل از دوران ابتدایی از ویژگی خاصی برخوردار است. چون در این زمان کودک با آموزش‌هایی که می‌بیند خود را برای دوران ابتدایی آماده می‌کند. بر این اساس باید امکانات مختلفی را برای این بچه‌ها فراهم کنیم بچه‌ها دارای مهارت‌های خاصی هستند و بر اساس توانایی‌هایی که دارند باید از آن‌ها انتظار داشت. موضوعات داده شده در این بخش باید بر اساس نیازهای آنان باشد. موضوعات باید در طی زمان با بچه‌ها باشد و روش‌های مشاهده، گفتگو و اگر امکان بازدید بود برای آن‌ها فراهم شود. در کلاس باید فعالیت‌های خلاقانه داشته باشیم تا بچه‌ها خودشان را بشناسند و باور کنند. فضایی که برای بچه‌ها در نظر گرفته می‌شود باید پر از امنیت، اعتماد به نفس، احترام و فضای عاطفی باشد. از اول مردادماه ثبت نام شروع شد و از نیمه‌ی دوم مردادماه پیش دبستانی شروع به کار کرد. برای بچه‌ها پرونده تشکیل داده شد و کتاب‌های پیش دبستانی که باید کار می‌کردیم بایگانی شد.



بچه‌ها به چهار گروه تقسیم شدند که گروه مقدماتی روزهای زوج و گروه پیشرفته روزهای فرد هستند و تعداد بچه‌ها در روزهای زوج (مقدماتی) ۲۳ نفر و روزهای فرد (پیشرفته) ۲۷ نفر است که از ساعت ۹ صبح تا ۱۳ برگزار می‌شود.

کار را با ورزش صبحگاهی شروع می‌کنیم در حیات دور می‌ایستیم و بچه‌ها هر دو نفر در یک جلسه ورزش می‌کنند و بقیه هم حرکات را انجام می‌دهند. واحد کارهایی که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده با برنامه ریزی و آموزش بر اساس نیازها و توانایی آن‌ها است.

به بچه‌ها کپی کار که از کتاب‌های پیش دبستانی گرفته شده، داده می‌شود. آموزش اشکال هندسی، علوم، هوش، فصل‌ها، مشاغل، آموزش شناخت میوه‌ها، حشرات، حیوانات و موضوعات دیگر به کودکان آموزش داده می‌شود.

آموزش بهداشت (بهداشت فردی و اجتماعی)

بهداشت دهان و دندان که با آموزش و نحوه‌ی صحیح مسواک زدن به آن‌ها داده شده و در آخر

موضوعات داده شده در این بخش باید بر اساس نیازهای آنان باشد. موضوعات باید در طی زمان با بچه‌ها باشد و روش‌های مشاهده، گفتگو و اگر امکان بازدید بود برای آن‌ها فراهم شود.

مسواک به خمیر دندان هم به آن‌ها داده شد. انداختن آشغال در سطل زباله و تمیز نگه داشتن محیطی که در آن زندگی می‌کنیم.

شعرخوانی و تئاتر

شعر در رابطه با واحد کار که گفته می‌شود و تئاتر بازی کردن بچه‌ها که کتاب را می‌خوانند و بعد از آن‌ها می‌خواهم که در رابطه با داستان هر چه که می‌فهمند و متوجه می‌شوند را نقاشی کنند و یا هر کدام نقشی که در کتاب بود و دوست می‌داشتند را انتخاب می‌کردند و بازی تئاتر را انجام می‌دادند. وقتی آموزش میوه را می‌دهم در مورد آن صحبت می‌شود بعد اگر شعری در مورد آن داشته باشیم، برای بچه‌ها خوانده می‌شود.

آموزش حشرات و حیوانات هم همین‌طور، بعد از نشان دادن عکس آن‌ها و یا اگر کتابی داشته باشیم کتاب را در اختیار بچه‌ها روی میز می‌گذارم تا آن‌ها هم با کتاب آشنا شوند و هم عکس‌های حیوانات را ببینند.

بعد از آن کپی کار که به بچه‌ها داده می‌شود از آن‌ها می‌خواهم که نقاشی حیوانات را در رابطه با موضوع گفته شده نقاشی کنند.

برای بچه‌های پیشرفته کتاب‌های فارسی آموز را داریم و بعد از خواندن درس داده شده نقاشی و کار دستی آن و بازی تئاتر آن را انجام می‌دهیم. بچه‌ها با شخصیت "نخودی" در کتاب فارسی آموز دوست شدند و آن را باور دارند. آموزش حیوانات در این مقطع بیشتر برای آشنا کردن بچه‌ها با حروف و کلمات الفبای فارسی است.

اگر امکان بازدید داشته باشیم بچه‌ها را به موزه‌ها، حیات وحش و یا پارک می‌بریم تا آموزش در بیرون از انجمن را ببینند و آشنا شوند. در این مدت آموزش آتش‌نشانی و خطرات آن‌ها و

۳۳

www.apcl.org.ir
info@apcl.org.ir



هم چنین اتفاقاتی که ممکن است بچه‌ها با آن مواجه شوند را به کمک یکی از مأموران آتش‌نشانی سرکلاس آموزش دادیم و در این زمینه فیلمی هم به بچه‌ها نشان داده شد.

برای مدتی کوتاه از سرکار خانم "نعمتی" که برای مدتی کوتاه به عنوان مربی در بخش پیش دبستانی همکاری داشتند تشکر می‌کنم.

هم چنین از سرکار خانم‌ها: "سلیمانی" و "مسلمی" که هم چون سال‌های گذشته همکاری بی‌دریغ خود را با انجمن و بخش پیش دبستانی را داشته و دارند کمال سپاسگزاری را دارم.

باید آن‌ها را که می‌توانیم برای یادگیری بچه‌ها انجام دهیم تا آن‌ها با ذهنی باز و نگاهی تازه که به آینده دارند خود، خانواده، شهر کشور و دنیای خود را بسازند و هر بچه‌ای که در این دنیای بزرگ به دنیا می‌آید در کمال آرامش، صلح و امنیت زندگی کند.

در آخر، امیدوارم که همه‌ی ما بتوانیم عشق و دوست داشتن را با تمام انسان‌ها در این سیاره‌ی زیبا سهیم شویم و شادی ابدی را با یکدیگر بیافرینیم.

مژگان دوست الهی

باید آن‌ها را که می‌توانیم برای یادگیری بچه‌ها انجام دهیم تا آن‌ها با ذهنی باز و نگاهی تازه که به آینده دارند خود، خانواده، شهر کشور و دنیای خود را بسازند و هر بچه‌ای که در این دنیای بزرگ به دنیا می‌آید در کمال آرامش، صلح و امنیت زندگی کند.

هم چون دوره‌های گذشته کلاس‌های درس مطابق با سیستم نهضت سوادآموزی برگزار می‌شود. از دو دوره‌ی گذشته تاکنون با برگزاری یک کلاس درس با سیستم آموزش و پرورش کودکان کار دارای سن کمتر، مشغول تحصیل هستند. هم‌چنین با همکاری موسسه "تاریخ و ادبیات کودکان و نوجوانان" کلاس‌های فارسی آموز با شیوه‌ی "کودک محور" در کنار سایر کلاس‌های درس فعال است.

در این جا نگاه‌مان به بچه‌هایی است که وقتی از در انجمن به داخل می‌آیند، ایرانی و افغانی، با استعداد و بی‌استعداد، بچه‌های کار و بدون کار اما محروم از تحصیل، بدون تبعیض بالخطه‌ی رفتن‌شان فرق داشته باشند و به همین دلیل است که انجمن حمایت از کودکان کار شیوه‌های مختلف آموزشی را به کار می‌بندد تا بهترین و کارآمدترین گزینه را در اختیار کودکانی قرار دهد که فرصت‌های بسیار آموختن از آنان گرفته شده است.

حمایت از کودکان در مقابل همه‌ی ناملایمت‌های زندگی، ناخواسته با آن مواجه‌اند سهم همه‌ی ماست درها را به روی همه‌ی کودکان باید گشود. کودکان فال فروش سرچهار راه، کودک کارگر باربر، کودک زباله گرد، کودک... هم نیاز به آموزش‌های ویژه برای کسب مهارت‌های زندگی شخصی و اجتماعی دارد.

هم اکنون ۴ کلاس مقدماتی، ۱ کلاس فارسی آموز ۱، ۱ کلاس فارسی آموز ۲، ۶ کلاس سوم (تکمیلی)، ۲ کلاس چهارم، ۲ کلاس پنجم، ۲ کلاس اول راهنمایی، ۱ کلاس دوم راهنمایی و ۱ کلاس سوم راهنمایی هر روز از ساعت ۷/۳۰ صبح الی ۱۶/۳۰ بعد از ظهر برگزار می‌گردد.

تدریس فارسی آموز ۱ و ۲

فارسی آموز شیوه‌ای است که توسط موسسه‌ی "تاریخ و ادبیات کودکان و نوجوانان" ابداع کتاب شده است و در قالب همکاری‌های متقابل انجمن و این موسسه از آذرماه ۱۳۸۵ آموزش این شیوه برای نخستین بار در انجمن آغاز گردید.

این شیوه آموزشی مبتنی بر داستان‌نویسی است که شخصیت اصلی آن شخصی است به نام "نخودی" که گیرایی و جذابیت آن موجب می‌گردد کودکان به سرعت با داستان قهرمان آن ارتباط گرفته و وارد داستان می‌شوند و همین امر موجب می‌گردد با قرار گرفتن در داستان و ادامه‌ی آن واژگان و مفاهیم آموزشی مورد انتظار را به خوبی دریافته و یاد بگیرند. در ادامه مطلبی که مطالعه می‌فرمایید تجربیات آقای "همت حیدری" که یکی از آموزگاران انجمن هستند بیان شده است.

در آموزش کتاب‌های فارسی آموز ادبی روش سنتی (معلم محوری) از بین می‌رود و روش نوین آموزش "کودک محور" جایگزین می‌شود.

در این روش معلم هدایت و راهنمایی دانش آموزان را برای رسیدن به جواب سوالات مطرح شده به عهده دارد. این سوالات می‌تواند هم از طرف معلم باشد و هم از طرف دانش آموزان، اما جواب‌ها باید از طرف دانش آموزان باشد. در نهایت با جمع‌آوری جواب‌های داده شده‌ی دانش آموزان، تکمیل کردن جواب‌ها به عهده‌ی معلم است.

در آموزش فارسی آموز ادبی به جهت آموزش بر مبنای "کودک محور" و خارج بودن از چارچوب کتاب‌های قدیمی این کتاب برای دانش آموزان مخصوصاً بچه‌ها بسیار دلنشین و جذاب است. به دلیل داشتن تصاویر زیبا و جالب و متن داستان‌های عاطفی، طنز و وجود شخصیت اصلی داستان‌ها (نخودی)، دانش آموزان با این کتاب رابطه‌ی قلبی و عاطفی عمیقی برقرار می‌سازند که این امر مهم خود، سبب یادگیری عمقی می‌شود به طوری که حروف و کلمات و داستان‌های این کتاب در ذهن بچه‌ها برای همیشه ماندگار می‌شود. چون کتاب‌های فارسی آموز ادبی همراه با بازی و شادی به بچه‌ها آموزش داده می‌شود، نتیجه‌ی مطلوبی حاصل می‌گردد.

با توجه به محسّنات کتاب فارسی آموز ادبی و روش تدریس قابل قبول از طرف معلم، این آموزش مطلوب‌ترین خواهد شد.

همت حیدری

راهنمایی

در حال حاضر تعداد ۶۳ نفر از کودکان عضو در انجمن در بخش راهنمایی مشغول تحصیل هستند.

از نکات قابل ذکر در این بخش این است که تعدادی از بچه‌های مقطع راهنمایی کسانی هستند



حمایت از کودکان در

مقابل همه‌ی ناملایمت‌های

زندگی، ناخواسته با آن مواجه‌اند

سهم همه‌ی ماست

درها را به روی همه‌ی کودکان

باید گشود.

کودکان فال فروش سرچهار راه،

کودک کارگر باربر

کودک زباله گرد

کودک... هم نیاز به آموزش‌های

ویژه برای کسب مهارت‌های

زندگی شخصی و اجتماعی دارد.

که از بدو شروع فعالیت آموزشی در انجمن (۱۳۸۲) از پایه‌ی اول نهضت (مقدماتی) شروع کرده و تا سطح دوم و سوم راهنمایی پیش رفته‌اند. تدریس دروس این دوره با حضور داوطلبانه ۲۳ نفر میسر شده است.

تشکیل کلاس های مادران

طی ۶ ماه گذشته مادران تعدادی از کودکان با شرکت در کلاس درسی توانستند کلاس اول و دوم را با موفقیت به پایان برسانند. در کلاس بسیاری از مطالب درسی مثل تنظیم خانواده، بهداشت، تغذیه و ... آماده و توسط معلم شان آموزش داده می شد. هم اکنون برای شرکت در کلاس بالاتر بسیار مشتاق و پیرانگیزه‌اند.

کلاس های غیر درسی

کلاس معرق با جناب آقای "شهنازی"، کلاس موسیقی با آقایان "سعادت" و "حسینی"، کلاس آرایشگری با حضور خانم "والانی" و خانم "ارشادی" و کلاس نقاشی با حضور آقای "توکلی" در انجمن تشکیل شده بود.

لازم به ذکر است که در حال حاضر به غیر از کلاس موسیقی بقیه فعالیت ها انجام نمی شود و کلاس فیلمبرداری آقای "مظاهری" یک ماه است که با حضور ۱۵ نفر از کودکان در گروه سنی ۸-۱۴ در انجمن برگزار می شود.

تفریحات علمی، آموزشی

- بازدید از کارگاه چوب برای بچه های کلاس معرق
- بازدید از نمایشگاه قرآن
- بازدید از نمایشگاه کتاب
- بردن ۲ کلاس راهنمایی در دو مرحله به کوه های کلک چال توسط معلمان شان
- بردن بچه های کلاس راهنمایی به پارک به منظور تشکیل کلاس درسی در فضای آزاد مطابق با موضوع درس شان
- بردن ۵۰ نفر از بچه های پیش دبستانی به تالار هنر برای دیدن نمایش
- بازدید از مرکز توانبخشی مجروحان قطع نخاعی
- آموزش آتش نشانی در مرکز شهرداری منطقه ۱۲

تشکر و قدردانی

با تشکر از معلمان محترم که طی سالیان گذشته و تا امروز با انجمن حمایت از کودکان کار فعالیت داشته و دارند سرکار خانم ها: "رضایی"، "سعیدی"، "لیلا گرجی زاده"، "ام البنین گرجی زاده"، "مشهدی"، "خضوعی" و آقایان "حیدری"، "زارع".
از حضور تمامی دوستان گرامی که در بخش آموزش همراهی مان کردند، سپاسگزاریم.
هم چنین تشکر و قدردانی می کنیم از زحمات "قدرت ملازاده" که با حضور مستمر خود ما را یاری می نماید.

عادلہ قاسمی



کارگاه ایدز، با همکاری موسسه‌ی "زندگی مثبت ایرانیان" در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۰ با تسهیلگری سرکار خانم "حناچی" در انجمن شروع شد. این کارگاه با اهدافی نظیر بالا بردن سطح آگاهی بچه‌ها، اصلاح نگرش منفی بچه‌ها نسبت به افراد مبتلا به ایدز و از بین بردن انگ و تبعیض نسبت به افراد مبتلا و برگزاری نمایشگاه نقاشی، مقاله و اجرای تئاتر در زمینه‌ی ایدز به کار خود در مدت ۳ روز ادامه داد.

تعداد کودکان شرکت کننده در این کارگاه سه گروه ۲۰ نفره بود. در روز اول ۱۳۸۷/۹/۱۰، یازده دختر و شش پسر، روز دوم ۱۳۸۷/۹/۱۱، پنج دختر و یازده پسر، روز سوم ۱۳۸۷/۹/۱۲، پنج دختر و نه پسر افراد این کارگاه را تشکیل می دادند. کارگاه از ساعت ۱۵/۳۰ - ۹ در محل کتابخانه‌ی انجمن حمایت از کودکان برگزار شد.

موضوعات و عناوین برنامه‌های مطرح شده در کارگاه عبارتند از:

۱. معارفه و آشنایی، بیان اهداف کارگاه ۲. پیش آزمون ۳. کلیات و ایدز همراه با نگرش. ارزش‌ها، راه‌های انتقال و عدم انتقال و تغییر نگرش نسبت به افراد مبتلا ۴. اعتیاد ۵. مهارت‌های زندگی همراه با بازی گروهی ۶. پس آزمون

از بین بچه‌های شرکت کننده شش نفر برای گروه تئاتر از جانب آقای "عبدی" انتخاب شدند. توضیحات راجع به تئاتر توسط گروه به کودکان انتقال داده شد و آقای "امید فقیرزاده" سرپرستی تمرین کودکان را به عهده گرفت و برای بازیابی و تمرین بیشتر دو روز تحت آموزش آقای عبدی تمرین کردند.

پس از ۵ روز تمرین کودکان در مجتمع فرهنگی خواجهی کرمانی برای ۲۵ و ۲۶ آذرماه نمایش خود را اجرا کردند. از دیگر توانمندی‌های بچه‌ها در ارتباط با این موضوع برگزاری نمایشگاه نقاشی و آرایه‌ی داستان و مقاله را می توان نام برد. هم چنین کودکان انجمن در نمایشگاه توانمندی‌های نهادهای غیردولتی، در روز ۷ دی ماه این نمایش را برای مخاطبان این نمایشگاه نیز اجرا کردند.

جناب آقای "خوشبخت" از طرف یونیسف برای تهیه‌ی گزارش از عملکرد کارگاه در روز ۱۱ دی ماه در انجمن حضور یافتند.

در ادامه‌ی روند آموزش این کارگاه ۱۳ نفر از کودکان که هشت پسر و ۵ دختر افراد شرکت کننده بودند که در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ در موسسه‌ی "زندگی مثبت" ایرانیان حضور یافتند و مباحثی چون آناتومی و بلوغ، کلیات و ایدز، مهارت‌های زندگی و خودشناسی، اعتیاد راه‌های انتقال و عدم انتقال و ایدز و افای نقش و بازی گروهی، آشنایی با مراکز ارجاع و اهمیت آن و جمع بندی و... را آموزش دیدند.

جا دارد از همکاری موسسه‌ی "زندگی مثبت ایرانیان"، مدیریت مجموعه‌ی فرهنگی پارک خواجهی کرمانی و دیگر دوستانی که در برپایی این کارگاه ما را یاری نمودند نهایت سپاس و قدردانی را داشته باشیم.



این کارگاه با اهدافی نظیر بالا بردن سطح آگاهی بچه‌ها، اصلاح نگرش منفی بچه‌ها نسبت به افراد مبتلا به ایدز و از بین بردن انگ و تبعیض نسبت به افراد مبتلا و برگزاری نمایشگاه نقاشی، مقاله و اجرای تئاتر در زمینه‌ی ایدز به کار خود در مدت ۳ روز ادامه داد.



یونیسف و وزارت کشور از انجمن بازدید کردند

طی دعوت انجمن حمایت از کودکان کار آقایان دکتر "افشین پارسی" و "تارسی" به نمایندگی از یونیسف و وزارت کشور در تاریخ ۵ آبان ۸۷ از انجمن بازدید کردند. این بازدید که به منظور تبیین برنامه‌ی مشترک "طرح آموزش پایه برای کودکان مهاجر" صورت گرفته بود، با ارایه‌ی برنامه‌هایی که توانمندی کودکان را نشان می‌دهد، هم‌چون ورزش‌های رزمی، نقاشی، نمایش، پخش فیلم، کارگاه معرق و ارایه‌ی مقاله توسط کودکان تحت آموزش انجمن صورت گرفت.

معاون شهرداری منطقه ۱۲ از انجمن بازدید کرد

به منظور آشنایی با انجمن حمایت از کودکان کار به عنوان یکی از انجمن‌های فعال در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی در ناحیه ۴ منطقه ۱۲ شهرداری، معاون ناحیه و کارشناسان آسیب‌های اجتماعی از انجمن بازدید به عمل آوردند. در این بازدید، مسوولان با برنامه‌های انجمن آشنا شده و شرایط همکاری بیشتر مورد تبادل نظر قرار گرفت.

افزایش همکاری سازمان‌ها با انجمن

در پی ارتباط انجمن حمایت از کودکان کار با اشخاص و مسوولان سازمان‌ها، بازدیدهای زیادی طی ماه‌های اخیر از انجمن انجام شد. در پی این نشست‌ها، تبادل نظرهای مفیدی صورت گرفت.

حضور انجمن در کنگره‌ی تغذیه

به دنبال پیگیری‌های آقای "بهنام قوامی" به منظور حضور انجمن حمایت از کودکان کار در نمایشگاه کنگره‌ی تغذیه با مساعدت مسوولان امر از جمله جناب آقای دکتر "حسینی"، انجمن توانست طی ۳ روز با در اختیار داشتن فضایی به مساحت ۱۲ متر در این کنگره حضور به هم رسانده و به معرفی اهداف و فعالیت‌های خود بپردازد. بدین وسیله از تمامی دوستانی که در فراهم آمدن این فرصت ما را یاری دادند سپاسگزاریم.

حضور انجمن در نمایشگاه توانمندی‌های سازمان‌های غیر دولتی

به دعوت از دفتر مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران، انجمن حمایت از کودکان کار، همانند سایر نهادهای مردمی در نمایشگاه توانمندی‌های سازمان‌های غیر دولتی حضور به هم رسانید.

انجمن حمایت از کودکان کار در گروه "کودکان و حقوق شهروندی" در تاریخ‌های در محل این نمایشگاه و اقع در پارک گفتگو مشارکت داشت.

دعوت شهرداری برای شرکت در جلسات شورای فرهنگی

به دعوت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲ برای شرکت در پنجمین جلسه شورای فرهنگی، مدیریت انجمن حمایت از کودکان کار ۲۷ آبان ۸۷ در این مراسم شرکت کرده و به بررسی و اعلام نظر پیرامون این جلسه پرداخت.

کودکان کار به شیرینی رمضان کام خود را شیرین کردند

با همکاری عتبات عالیات و به دعوت شهرداری منطقه ۱۲، کودکان تحت آموزش انجمن طی دو نوبت مهمان سفره‌ی افطاری در باشگاه یاس سفید بودند. این مراسم در تاریخ‌های ۲۴ شهریور با حضور ۱۱۰ نفر از کودکان و ۸ مهر با حضور از کودکان برگزار شد.

آموزش بازیافت در حفظ محیط زیست

با مساعدت اداره‌ی بازیافت شهرداری منطقه ۱۲، به منظور حفظ محیط زیست، طرح بازیافت در مبداء به کودکان انجمن آموزش داده شد.



این طرح در سال های گذشته نیز به تعدادی دیگر از کودکان انجمن آموزش داده شده بود.

من گل های یاد ترا پر پر نمی کنم

نه

نه

من مرگ هیچ عزیزی را باور نمی کنم

جناب آقای "علیرضا حافظ"، سرکار خانم ها "مژگان ترابیان" و "لیلا اسماعیلی" درگذشت عزیزان از دست رفته تان را تسلیت عرض می نمایم.

انجمن در سوگ مجتبی نشست

به دنبال مرگ نابهنگام مجتبی الف. از کودکان انجمن حمایت از کودکان کار، ۷ دی ۸۷ کلیه بخش های انجمن تعطیل و مسوولان و کودکان انجمن در مراسم سوگواری آن عزیز از دست رفته شرکت داشتند. در این مراسم یاد و خاطره ای مهربانی ها و توانمندی های مجتبی گرامی داشته شد.

در پایان مراسم یادبود، پدر و برادر مجتبی توسط ۱۰۰ نفر از دوستان او تا منزل همراهی شدند.

فعالیت مجدد مرکز بازار

مرکز حمایتی بازار به عنوان سومین مرکز انجمن حمایت از کودکان کار، به منظور حمایت از کودکان شاغل در این منطقه پس از تعطیلی در اردیبهشت ۸۷ از تاریخ ۱۰ اسفند ۸۷ ادامه ی فعالیت خود را از سر می گیرد.

عکاس امروز

"نثار ظریفی" از کودکان تحت آموزش انجمن که هم اکنون ۱۸ سال دارد با هدف پیشبرد تحقق حقوق کودک همگام با دیگر فعالان این عرصه، پیشنهاد خود مبنی بر تشکیل گروه عکاسان افتخاری انجمن را به مسوولان مربوط اعلام داشت. پس از اعلام این طرح، دیگر کودک عضو انجمن "ایمل کریمی"، همراه با نثار ظریفی تیم ۲ نفره ی عکاسان افتخاری انجمن حمایت از کودکان کار را تشکیل دادند.

امید آن است که با حضور هنرمندانه ی خویش بتوانند گامی موثر در بهبود شرایط کودکان کار داشته باشند.

مشارکت کودکان کار در مدیریت انجمن

جناب آقای "ایمل کریمی" انجمن حمایت از کودکان کار "مسئولیت شما را در تاریخ ۷ و ۸ بهمن ۸۷ در سمت مدیریت داخلی انجمن تبریک عرض نموده و از زحمات شما نهایت قدر دانی را دارد.

مشارکت در بخش روابط عمومی

جناب آقای "ذبیح محمدی" از همکاری صمیمانه ی شما در بخش روابط عمومی انجمن کمال تشکر را داریم. امید است با یاری شما و سایر اعضا بتوانیم پرثمرتر گام برداریم.

تعمیرات انجمن به همت شهرداری منطقه

با همکاری ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۱۲ تعمیرات مورد نیاز و زیباسازی انجمن از تاریخ ۲۳ شهریور آغاز و در ۱۶ مهر مصادف با روز جهانی کودک به پایان رسید. به این ترتیب کودکان کار انجمن، روز خود را در فضایی آراسته جشن گرفتند. بدین وسیله از شهردار محترم ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۱۲ نهایت سپاس را داریم.

هزار شوق در پیوند عشق

سرکار خانم "ام البنین گرجی زاده" و جناب آقای "محمد زارع"، آموزگاران پر تلاش بخش آموزش انجمن حمایت از کودکان کار، پیوند زندگی مشترکتان را تبریک گفته و سلامت و بهروزی را برای شما آرزو مندیم.



در کنار یکدیگر در حمایت از کودکان کار

سرکار خانم‌ها "فاطمه توده کشت"، "مژگان ترابیان"، "سعیده یوسفی"، "لیلا اسماعیلی" و "فرگل صادقی" حضور گرم و صمیمی‌تان را در کنار دیگر پرسنل انجمن حمایت از کودکان کار تبریک عرض نموده، امید می‌رود تا در کنار همدیگر در پیشبرد اهداف انجمن گام‌های موثرتری برداریم.

ارایه‌ی میان وعده‌های مغذی به کودکان کار

در پی پیگیری مسوول بخش بهداشت، درمان و تغذیه انجمن حمایت از کودکان کار و مساعدت مدیریت شرکت نان مدرسه، کودکان کار انجمن از این پس هم چون سایر دانش آموزان کشور سه روز در هفته با میان وعده‌های شیر و نان مغذی تغذیه می‌شوند. بدین وسیله از مدیریت محترم شرکت نان مدرسه نهایت قدردانی و سپاس را اعلام می‌داریم.

ارایه‌ی میان وعده‌ی گرم به کودکان انجمن

در امتداد طرح تغذیه سالم انجمن حمایت از کودکان کار، بخش بهداشت، درمان و تغذیه روزهای چهارشنبه هر هفته با همکاری کودکان عدسی پخته و این میان وعده‌ی گرم را به برنامه‌ی غذایی کودکان اضافه می‌کند.

طرح مقابله با شپش در انجمن انجام شد

در راستای طرح مقابله با شپش (پدیکولوز) در بخش بهداشت، درمان و تغذیه، از نیمه‌ی آذر ۱۳۸۷ تاکنون معاینه‌ی سر و غربالگری شپش، برای تمام دانش آموزان انجام گردید. در ادامه‌ی این برنامه، به افراد مبتلا شامپو ضد شپش و توضیحات لازم برای رفع شپش داده شد. هم چنین بخش بهداشت انجمن اقدام به حمام، شستشو و کوتاه کردن موی سر ۵ دختر خردسال ایرانی کرد که به خاطر نداشتن آگاهی از روش استفاده شامپوی ضد شپش و عدم توجه کافی والدین آن‌ها به بهداشت سرشان، نیاز به حمام فوری داشتند. هم چنین برای کودکان چند دست لباس و حوله‌ی نو نیز تهیه گردید. این برنامه هم چنان در حال اجرا است.

حمایت نشر چیستا از کودکان کار

با همکاری مدیریت محترم نشر "چیستا" و مدیریت محترم "موسسه تاریخ و ادبیات کودکان و نوجوانان"، کتاب‌های فارسی آموز ادبی و ریاضی با تخفیف ۵۰ درصد در اختیار انجمن حمایت از کودکان کار قرار گرفت. بدین وسیله از مدیران مسوول تشکر و قدردانی می‌نماییم.

دستان پر مهرتان را می‌فشاریم

بدین وسیله از تمامی دوستانی که با انجمن همکاری داشته نهایت سپاس و قدردانی را داریم و بابت کمک‌های مادی و معنوی‌تان سپاس‌گزاریم.

عکس از نشر ظریفی



تبریک بهار

انجمن حمایت از کودکان کار، در بهار جدید آرزوی شادمانی برای همه‌ی کودکان دارد.
نوبهار است، در آن کوش که خوش دل باشی
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی!

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش
که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی.

چنگ، در پرده همین می دهدت پند؛ ولی
و عظمت آن گاه کند سود که قابل باشی.

نقد عمرت ببرد غصه‌ی دوران به گزاف
گر شب و روز در این قصه‌ی باطل باشی.

گر چه راهی ست پر از بیم ز ما تا بر دوست،
رفتن آسان بود از واقف منزل باشی.

حافظ! گر مدد بخت بلندت باشد
صید آن شاهد مطبوع شمایل باشی!



سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم
ولی دل به پاییز نسپردہ‌ایم

چو گلدان خالی، لب پنجره
پراز خاطرات ترک خورده‌ایم

اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم
اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم
اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

اگر دشمنه دشمنان، گردنیم!
اگر خنجر دوستان، گرده‌ایم!؟

گواهی بخواهید، اینک گواه:
همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست، عمری به سر برده‌ایم

قیصر امین پور



تهران، خیابان مولوی، باغ فردوس، خیابان رییس عبداللہی، خیابان شهید اردستانی

کوچہ‌ی شهید احمد افتخاریان، دومین بن بست سمت چپ، شمارہ‌ی ۴۳

کد پستی: ۱۱۶۸۹۷۳۱۶۳ صندوق پستی: ۳۵۵۶-۱۱۳۶۵

تلفن: ۹-۵۵۵۷۶۶۸۷-۵۵۶۰۳۲۰۵

www.apcl.org.ir

info@apcl.org.ir